

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۲۳

## فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بقیه شور برنامه دوات

۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت نهم قبل از ظهر بریاست آقای امیر تیمور (نایب رئیس) تشکیل گردید  
صورت مجلس روز سه شنبه ۲۲ فروردین ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

- نایب رئیس - آقای دوات آبادی در صورت مجلس نظری دارید؟
- دولت آبادی - در قبل از دستور.
- نایب رئیس - آقای اردلان در صورت مجلس نظری دارید؟
- اردلان - قبل از دستور.
- نایب رئیس - آقای دکتر شفق در صورت مجلس نظری دارید؟
- دکتر شفق - قبل از دستور.

نایب رئیس - آقای دکتر کشاورز.

دکتر کشاورز - در صحبتی که بنده پیروز در مجلس شورای ملی عرض کردم این عبارت را گفته بودم که با مستشاران خارجی موافقم ولی دانمارکی و هلندی و سوئیدی و ارمنی غیر ایرانی را بنام مستشار به ملت و دولت ایران معرفی کردن و عده آنها را از حد و حساب بیرون بردن این خوب نیست منظور بنده لغت ارمنی غیر ایرانی بود و نمیدانم بنده در وضع بیانم اشتباهی کرده باشم یا اینکه آقایان خوب متوجه نشده اند که اشتباهاً نوشته اند ارمنی و مثل این است که ارمنی را از نقطه نظر داخلی مملکت مثل يك نفر

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح بعد همین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری

اداره نند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین بی اجازة - آقایان کفالی - مؤید نویسی - نهرانی - کبیر  
دیر آمده بی اجازة - آقای اکبر



خارجی حساب کرده باشم و فعلاً میخواستم این موضوع برای رفع شبهه توضیحی درش عرض کنم که منظور بنده ارمنی غیرایرانی بوده است و همانطور که آرامنه و یهودیهائی که در ایران هستند جزء ملت ایران هستند در همه جای دنیا هم که هستند تابع دول مختلف هستند و در ایران هم آرامنه که هستند تابع دولت ایران و جزء ملت ایران هستند (صحیح است) و نباید تصور برود که این که من گفتم ارمنی ایرانی است مخصوصاً نظرم به ارمنی خارجی بود و خواستم عرض کنم ملت ایران با اقلیت هائی که در ایران زندگی میکنند مثل برادر هستند و هیچ اختلافی برای آنها از نظر ملیت قائل نیستیم آنها هم برادران ما هستند و آنها هم برای بدست آوردن این مشروطیت و آزادی در اوائل مشروطیت با ما زحمت کشیده اند و معروفترین آنها مرحوم پیرم خان بود و خدمات و زحماتی که ایشان در مشروطیت انجام داده اند کسی فراموش نکرده است و خواهش مندم این موضوع اصلاح شود که در خارج سوء تفاهمی نشود.

**نایب رئیس** - آقای طوسی .

**طوسی** - عرض کنم این فرمایشات شما کاملاً در صورت مشروح مجلس هست در این جا البته خلاصه نوشته میشود .  
**نایب رئیس** - صورت مجلس تصویب شد عده از آقایان اجازه خواسته اند قبل از دستور صحبت کنند .

**جمعی از نمایندگان** - خبر دستور . دستور .

**[ ۲ - بقیه شور بر نامه دولت ]**

**نایب رئیس** - بر نامه دولت مطرح است آقای فرمند .  
**فرمند** - راجع به مخالفت خودم لازم میدانم قبلاً مختصری از جریان چند روزه که در مجلس راجع به دولت جریان داشت بعرض برسانم که دلیل این مخالفت بنده معلوم و روشن شود . روزی که در جلسه خصوصی اظهار تمایل شد نسبت به آقای ساعد فردای آنروز آقای طباطبائی رئیس مجلس در جلسه خصوصی بماطلاع دادند که آقای نخست وزیر خیال دارند همان وزرائی که در کابینه آقای سهیلی بوده اند همانهارا باستثنای وزیر دادگستری بیاورند و به مجلس معرفی

کنند . در مجلس خصوصی يك عده از آقایان با این نظر مخالفت کردند و بنده هم جزء اشخاصی بودم که در آنجا اظهار مخالفت کردم و عرض کردم به آقایان رفقای مجلسی ما که آقای سهیلی را نمی پسندیم برای این است که در انتخابات مداخلاتی شده است که مورد پسندمان نیست و چون آقای ساعد هم میخواهند همان وزراء را بیاورند و این وزراء هم مسئولیت مشترك داشته اند در آن قضیه پس ما آنها را نباید به پسندیم و حالت و روحیه و کلا در جلسه خصوصی معلوم گردانید که این نظر مشترك است بین همه آقایان نمایندگان و آقای طباطبائی تلفن کردند به آقای نخست وزیر که امر شده بود از طرف اعلیحضرت همایونی که کابینه را تشکیل بدهند که بعد از ظهر تشریف بیاورند اینجا و يك مشاوره ای بشود . آقای نخست وزیر تشریف آوردند به مجلس و یکعده از آقایان نمایندگان فراکسیونها و يك عده هم از منفردین اینجا حضورشان شرفیاب شدیم و بعرضشان رسانیدیم که ما و کلا میخواستیم روی يك اصل و فکری وزرای این دوره تشکیل و انتخاب بشوند و آن این است که آقایان وزرائی که تابحال وزارت کرده اند و در این کابینه های اخیر بوده اند از اینها ما يك فعالیت و اصلاح طلبی فوق العاده ندیده ایم ما در اول دوره چهاردهم میل داریم که يك وزرای فعال و درست و وطن پرست روی کار بیایند ( البته همه آقایان وطن پرست هستند ) مقصودمان اشخاص فعال بود و با آقای نخست وزیر در این خصوص دو ساعت بحث کردیم و این مطلب را بعرضشان رسانیدیم و مخصوصاً بنده شخصاً عرض کردم چون این آقایان وزراء نمایشی در اصلاحات ادارات و وزارتخانه ها نداده اند ما بکلی از آنها ناامید هستیم و اگر ما يك اشخاص تازه بیاوریم اگر خدای نکرده این اشخاص تازه هم فعالیتتبی که ما انتظار داریم نداشته باشند باز در قلب ما يك امیدی هست که آنها در آتیه يك اصلاحاتی خواهند کرد و اگر نکردند بعد ممکن است آنها را آقای نخست وزیر عوض کنند یا مورد استیضاح مجلس قرار بگیرند و روی این فکر ما آقای نخست وزیر را آزدگذاشتیم که هیچ مداخله در انتخاب

اشخاص نکنیم و فقط این فکر مجلس را که وزرای فعال تازه سر کار بیایند تقاضا کردیم البته مجلس شورای ملی حق دارد افکار اصولی یا يك رویه اصولی را از نخست وزیر مملکت مشروطه تقاضا کند و البته باید این رویه اصولی مورد توجه آقای نخست وزیر هم واقع شود بعد ایشان به ما جواب دادند که من میروم و در این خصوص مطالعاتی میکنم ولی چون اشخاص را خوب نمیشناسم خوبست و کلاهی مجلس هم با من هم فکری بکنند و اشخاص خوبی را به من معرفی کنند این را هم گفتیم که البته شکمی نیست که و کلاهی مجلس هر زمان که دولت کمک فکری بخواهد وظیفه آنها است که به رئیس دولت کمک فکری بدهند . بعد ایشان تشریف بردند و مطالعاتی فرمودند چند روز قبل از عید و چند روز هم بعد از عید که تعطیل بود و روز ششم یا هفتم عید بود که ایشان يك کابینه را به مجلس معرفی فرمودند و باز اکثر وزرای کابینه سابق در این کابینه بود این موضوع اسباب عدم رضایتی دوباره در مجلس شد بهر حال آقایان به مجلس معرفی شدند و رفتند و مشغول کار شدند و این هم که میگویند مجلس بحران تولید کرد این طور نیست فقط پنج روز قبل از عید و پنج روز هم بعد از عید که تعطیل بود بحران بود و بعد آن وزرائی که معرفی شدند رفتند و مشغول کار خودشان شدند چون به مجلس معرفی شده بودند پس بحرانی نبوده است فقط رأی اعتماد داده نشده بود چنانچه تا به حال هم داده نشده است این که در خارج می گویند ما تولید بحران کرده ایم این طور نیست ما بحرانی تولید نکرده ایم و وزراء مشغول کار خودشان بوده و هستند حالا فلسفه این که ما میخواستیم وزرای تازه بیایند و آقایان وزرای پیش نباشند روی این معنی بود که میخواستیم يك جریانی پیش بیاید از طرف مجلس شورای ملی که وزرائی که چندین بار وزیر شده اند و در وزارتخانه ها شان اصلاً خدمات و اصلاحاتی نکرده اند و این وزارت خانه ها را در حالت خرابی نگاه داشته اند و از این وزارتخانه ها هیچ منفعتی بملت نمیرسد جز اذیت و صدمه و مأمورین آنها چه در ولایات

و چه در همین شهر تهران مردم را آزار میکنند شاید وزرای جدید که می آیند آن کارهای وزرائی سابق کنار گذاشته شود و این يك تنبیه اخلاقی بشود برای وزرای پیش و این تنبیه اخلاقی یعنی دوباره روی کار نیامدن آنهائی که خوب کار نکرده اند قهراً تأثیر میکرد در وزرائی که تازه انتخاب شده اند که آنها فکر میکردند که جریان در آتیه اینطور است که وزرای غیر فعال کنار گذاشته میشوند و این خودش که يك تنبیه اخلاقی است در زندگی اداری و اجتماعی ما بوجود میآید بدبختانه آقای نخست وزیر از این معنی و این جریانی که مجلس میخواست بوجود بیورد استفاده نکردند و این استفاده برای مملکت يك استفاده بزرگی میشد و همچنین برای خودشان يك استفاده بزرگی میشد و میگفتند که نخست وزیری پیدا شده است که میخواهد جریان و رویه های پوسیده را تغییر بدهد این يك میل و رویه بود که مجلس چهاردهم شروع کرد ولی بدبختانه نتوانست این معنی را به پایان برساند نکته دوم این بود که آقای نخست وزیر از مجلس و فراکسیونها صورتی خواستند که ایشان را مجلس با آن صورتهای هدایت بکنند در انتخاب وزرای تازه بعضی از فراکسیونها صورت دادند و بعضی فراکسیونها امتناع کردند از دادن صورت و این مجلس میبایستی کمک فکری بکنند با آقای نخست وزیر ولی کمک فکری نکرد و بنده تصور میکنم در اینجا يك قصوری شد و اگر مجلس چهل نفر را صورت میدادند یعنی از تمام فراکسیونها اگر يك عده معرفی میشدند این يك وصلت روحی بود بین دولت و مجلس و آقایان و کلا با صورتهائی که داده بودند باین زودی ها نمیتوانستند مخالفت کنند و این کار يك همکاری تولید میکرد بین دولت و مجلس پس اینجا دو اشتباه کوچک شده است یکی از طرف آقای نخست وزیر و یکی هم از طرف مجلس ( اقبال مجلس اشتباهی نکرده است ) آقا ما نباید تعصب بکار ببریم ما باید حقایق را بگوئیم و این جا جای حقیقت گفتن است ( صحیح است ) بله اگر آقایان و کلا صورت داده بودند باین زودی ها اختلاف نظر تولید نمیشد که هیئت دولت تحت



سؤال واستيضاح دربیاید ( ملک مدنی - آبهائی که صورت دادند چه استفاده کردند؟ ) آمدیم راجع ببرنامج عرض کنم این برنامه يك برنامه بسیار مشعشعی است بسیار مشعشع اما بدبختانه بنده مجبورم اینجا دو مشکل دو مانع بزرگی که جلوی اجرای این برنامه را میگیرد بعرض آقایان وزراء برسانم و این دو مانع بزرگ در شهر تهران وجود دارد و ممکن است آقایان وزراء هم کم و بیش باین دو معنی پی برده باشند این دو معنی و مانع آنچه که بنده تشخیص داده ام یکی اینست که در شهر طهران يك شرکت بیمه دزدان وجود دارد و این شرکت هر عملی که دولت میخواهد بکند و هر کار اصلاح پذیری که دولت میخواهد بکند این شرکت يك تدابیری بعمل می آورد که آن عمل دولت را خنثی میکند و این شرکت خیلی محرمانه و خیلی سری است این شرکت پولهای میگیرد و پولهای میدهد و راجع باین شرکت بیمه دزدان بنده نمیتوانم مورد ندارد که در پشت این تریبون خصوصیات را بعرض آقایان برسانم و این نظریست که خود من دریافته ام و اگر اسناد و مدارکی داشتم ممکن بود به آقایان وزراء تقدیم کنم و اگر آقایان وزراء و هیئت دولت از مفتشین و بازرسان خود و اداره تأمینات را بکار بیندازند افراد این شرکت را که باین کار مشغولند و این عملیات فحیح را در مملکت مامیکنند که هم وزارتخانه های ما دارند فلج میکنند و هم تصمیمات وزرای ما را دارند فلج میکنند هم زندگی اجتماعی ما را از هر حیث فلج میکنند و نمیگذارند در مملکت اصلاحاتی بشود اگر واقعا هیئت وزراء جدیدت بخرج بدهند با وسائلی که در دست دارند نمیتوانند کشف بکنند و اگر هم بخواهند ممکن است دیگران هم که اطلاعاتی دارند اینها را پیدا کنند و کشف کنند و تا اینها وجود دارند اینها وزرای ما را نمیگذارند کار بکنند معاونین ما را نمیگذارند کار بکنند و مملکت را عملیات اینها فلج میکند ، دوم مانعی که در سر راه آقایان وزراء هست اشخاصی هستند که بنده نام آنها را وزیر گنج کن گذاشته ام يك عده ای هستند در این وزارتخانه ها که وزرای ما را گنج میکنند این وزیر گنج کن ها همه جا هستند و متحد

از امنیت عمومی این است که از عملیات اشرار و شلوق کارهایی که میشود با زور و قوه نظامی جلو گیری کرد البته تاحدی با زور و قوه نظامی امنیت برقرار میشود ولی بعقیده بنده با زور عدالت این امنیت زودتر برقرار میشود اگر مأمورین دولت با مردم خوش رفتاری بکنند و بآنها بفهمانند که ما برای رفاهیت شما آمده ایم این مملکت بزودی و آسانی امنیت حاصل میکند . اما قوه قضائی این قوه قضائی اصلاحش بنظر بنده بدست يك وزیر نمیتواند بشود چون وزرای ما دائما در تغییر هستند فرض بفرمائید این کابینه هائی که در این دو سال آمده اند و رفته اند و چندین وزیر عدلیه عوض شده است اگر هر کدام هم که میخواهند کاری بکنند کار آنها نا تمام میماند و اجرا نمیشد بنده معتقدم که قوه قضائیه را طور دیگر قرار بدهند همانطور که اختیاراتی به آقای دکتر میلسپو داده ایم بدو نفر سه نفر از قضات محترمان يك اختیارات خاصی از طرف مجلس شورای ملی داده شود که آنها شروع کنند که این قوه قضائیه ما را اول اصلاح کنند بعد قوه قضائیه مستقل شود و این استقلال قوه قضائیه که در قانون اساسی معین شده است بنده عقیده مندم اول باید قوه قضائیه اصلاح شود بعد مستقل بگردد اگر امروز مستقل بگردد با آن قضائی که امروز چندان شایستگی ندارند فایده ندارد باید اول اصلاح شود بعد مستقل شود این معنی را باید اهمیت بدهیم و قوه قضائیه را آقایان اعضاء هیئت دولت چنانچه اعلیحضرت همایونی هم در خطابه افتتاحیه شان تذکر دادند باید در درجه اول از عملیاتی که خواهند فرمود مقرر بدارند . ماده دوم یکی از ماده های مشعشع این پرگرام است و چون خیلی مشعشع است بنده میخواهم تا مین حد اقل ما بحتاج زندگانی برای افراد کارگر و برزگر از حیث غذا و لباس و مسکن و بهداشت و تعلیمات مربوط به مشاغل هر يك از طبقات مذکور بلی این قسمت سوم است اشتباه کردم عرض کردم قسمت دوم . این ماده خیلی مشعشع است . از نقطه نظر کارگران این قسمت را واگذار میکنم به آقای فداکار که خیلی علاقمند بکارگران

هستند ( بعضی از نمایندگان - همه هستند ) ایشان زیادتر هستند . در قسمت برزگران بنده عرض میکنم چون بنده با برزگران ایران تماس نزدیکی داشتم بنده مخصوصا از طرف برزگران مخصوصاً برزگران همدان تمام این لباس و مسکن و بهداشت معلم و همه اینها را ( که نمیدانم چه جور میخواهند عملی کنند ) همه اینها پیش کش میکنم بدولت در مقابل يك مطلب و آن مطلب این است که مأمورین دولت بآنها تعدی نکنند ( صحیح است ) حالا توضیح میدهم که چه تعدیاتی به برزگرها میشود برزگرها در توی دهشان نشسته اند مشغول برزگری هستند از آبیاری و کاشت و غیره يك روز مأمور سبج احوال میآید يك روز مأمور نظام وظیفه میآید آقای وزیر جنگ : خدا میداند چه بازی هائی در میآوردند این مأمورین نظام وظیفه يك عده ای را میگویند نمیریم پول ازشان میگیرند يك عده که میخواهند بروند پول ازشان میگیرند و میبرند در بین راه آنها را خودشان فرار میدهند دو مرتبه میآیند و میگویند که فرار کرده است يك پول دیگر از آنها میگیرند این مأمورین نظام وظیفه بقدری اذیت به برزگران میکنند که این هارا واقعا غاصی میکنند آقای وزیر جنگ بداد این برزگرها برسید تمام این چیز هائی که میخواهید بآنها مرحمت کنید تمام پیش کش شما فقط از يك راهی خودتان به داد اینها برسید . مأمور نظام وظیفه که برود فردا آقای بخشدار یا خودش می آید یا مأمورش میآید که خوب این جا فلان عنوان شده یا فلان عنوان نشده است اینجا مثلا کد خدا فلان تعدی را کرده است یا فلان تخطی را کرده است با این ترتیب او هم مردم را اذیت و آزار میکند این مأمورین که رفتند مأمورین خواریار میآیند و توی خانه های آنها را میگردند که ببینند چیزی پیدا میکنند یا نه و اگر هم پیدا کردند يك پولی از آنها میگیرند و میروند و متصل این برزگر های بیچاره با این ترتیب در تخت فشار مأمورین هستند مأمورین هم که رفتند او دچار کد خدا میشود برای اینکه يك مأمور دولت وقتی که وارد میشود سراغ کد خدا میرود اول این را



عرض کنم که این را به بنده جواب ندهند که مأمورین دولت حقوق دارند و خودشان خرج میکنند خیر اگر حقوق زیاد هم داشته باشند ممکن نیست که یک رعیتی بعد از آنکه چیزی با آنها داد و خوراکی با آنها دادند پول بگیرند هر کاری بکنند ممکن نیست پول بگیرند خلق رعایا عوض نمیشود (بعضی از نمایندگان - آنها اصلاً پول نمیدهند) اگر آنها هم پول بدهند سر رعیا را ببرد پول نمیگیرند خلاصه هر وقت ماموری به ده می آید فرضاً برای پذیرائی اوده تومان کدخدا خرج میکند میرود چهل تومان از رعایا میگیرد ده تومان را آن کدخدا چهل تومان از این برزگران میگیرد و کدخدا هم با این ترتیب به آنها تعدی میکند. و خواهش میکنم اگر میخواهید بحال برزگران مرحمت کنید همین تعدی مأمورین را از سر آنها رفع کنید و الا این ماده را دولت اگر بخواهد کاملاً اجرا کند بعقیده بنده بیست هزار نفر مأمورین مؤمن مقدس و امین و سیر لازم دارد با چهارصد پانصد ملیون تومان اعتبار مخارج وقتی که این ماده را مینوشتید بنده یقین دارم و سؤال میکنم که خود آقایان وزراء باین ماده نخندیدید؟ (وزیر پیشه و هنر - خیر) بنده که وقتی خواندم این ماده بنظرم عجیب آمد و خندیدم چون این ماده اجرایش بنظر بنده بیست هزار نفر مأمور مؤمن لازم دارد با چهارصد پانصد ملیون تومان پول تا این ماده اجرا بشود و فعلاً که هر دو را هم ندارید و این ماده فقط برای دلخوشی آقایان سوسیالیست های مجلس نوشته شده است (دکتر کشاورز - مجلس سوسیالیست ندارد فقط در کابینه یک نفر هست) در ماده ۴ اشاره باین شده است که اهل محل را در کارهای خودشان بیشتر دخالت و شرکت بدهند. این جا بنده میخواستم یک توضیحی بدهم که این کار را بی مطالعه نکنید برای این که در دوره های گذشته این هفت هشت ده ساله تمام اشخاص خوب ولایات همه از تعدیات مأمورین دولت فراری شده اند و آمده اند به طهران این طهرانی که شماری بینید ~~چیتش این هم زیاد شده است جمعیتش از سیصد هزار نفر به هفتصد هزار نفر رسیده است این بواسطه آمدن اشخاصی~~

رئیس خوار بار یک صورت حقه بازی قبلاً تهیه کرده بود و داده بود به حاجی که اسامی که در صورت نوشته است به بینید چه طور است حاجی صورت را دیده بود و خوانده بود حاجی که همه همدانها را خوب میشناخت گفته بود که تمام این اشخاص خراب هستند آن رئیس خوار بار گفته بود حاجی هوچیگری نکن حاجی گفته بود که فلانکس به من گفته بود که حالا مشروطه سوم است و من هوچیگری میکنم و داد و فریاد میکنم که اجتماع را حفظ کنم. مقصود این است که اشخاص خوب در ولایات هستند ولی مأمورین دولت اینهارا نمیگذارند کار کنند پس اگر بخواهید افراد در ولایات یک کاری بکنند باید قبلاً وزارت داخله یک مطالعات عمیقی بکند و اشخاص حقه باز و اشخاص خوبی که رفته اند خانه نشین شده اند اینها را تشخیص بدهد و از هم جدا بکند و این ماده را اجرا بکنند و الا یک خبط هائی می کنند در صورتیکه باید این خبط هائی که این چند ساله شده است دیگر تکرار نشود.

ماده ۶ - تجدید نظر در وضع مأمورین دولت و تأمین زندگی آبرومند آنها. این تجدید نظر همی وعده داده شده است ولی عملی نشده است و ما نمیدانیم دولت بچه نحو میخواهد و میتواند تجدید نظر بکند. برای این که اگر بخواهد تجدید نظر بکند. باید بدست مأمورین درجه اول خودش تجدید نظر کند و این مأمورین درجه اول هم یک دسته بندهائی دارند که نمیگذارند شما بفهمید کدام آنها خوب هستند و کدام بد هستند و اگر واقعاً بخواهید مستخدم آبرومند درست کنید باید حقوق مأمورین دولت ده مقابل بشود آیا بودجه مملکت ما اجازه میدهد که اینکار را بکنیم؟ چون زندگی ما امروز ده مقابل بالا رفته است و آیا ممکن است که شما امروز از یک جاهائی بکاهید و باینکار مصرف کنید؟ پس باید اینکار با یک مطالعات بیشتری عملی شود آنچه که بنده شنیده ام آقای ادیب السلطنه سمیعی در فروردین گذشته که در هیئت دولت وزیر مشاور بودند یک پیشنهاداتی برای اصلاحات اداری و یک پیشنهاداتی

برای اصلاحات اجتماعی تقدیم هیئت وزراء کرده بودند ولی آن پیشنهادات مورد مطالعه واقع نشده بود و شاید آن پیشنهادات در هیئت وزراء باشد خوب است آن پیشنهادات را مورد مطالعه قرار بدهند بلکه از روی آنها بتوانند یک کاری بکنند ولی بنده امیدوار نیستم که بتوانید این کار را بکنید مگر اینک بکلی این وزارتخانه ها را منحل کنید و از سر نو یک وزارتخانه ای بوجود بیاورید حالا یک مرتبه نمیخواهید بکنید یکی یکی مثل اینکه داور وزارت عدلیه را منحل کرد حالا بعد بهتر کرد یا نه کاری ندارم و این راهم خیال نفرمائید که اگر یک وزارتخانه را منحل کنیم جریان امور مملکت فلج میشود اینطور نیست و تفاوتی نمیکند برای اینکه همین وزارتخانه ها امروز کارهای مملکت را فلج کرده است و کارهای مملکت در حال فلج است چه این وزارتخانه ها باشند چه نباشند توفیر نمیکنند (دکتر کشاورز نباشد زحمتش کمتر است) بنده به یاد دارم وزارت عدلیه که حالا آنقدر اهمیت میدهم که اگر نباشد چه میشود چهل روزی و چند روز وزارت عدلیه ما در پایتخت مملکت منحصر بود به یک صلحیه نامحدود با ده دوازده نفر اعضاء و موقعی که داور عدلیه را منحل کرده بود آن صلحیه نامحدود تمام کارهای این شهر را با مراعات مهمی که در این شهر بود اداره میکرد و رسیدگی میکرد و کارهای مراعاتی این شهر را میچرخاند و هیچ واقعه هم رخ نداد و هیچکس هم شکایت نکرد که چرا عدلیه وجود ندارد و حالا هم شما اگر بخواهید تشکیلات صحیح بدهید و این وزارتخانه ها را اصلاح کنید باید این وزارتخانه ها را یک بیک منحل کنید و از سر نو بنشینید اینها را درست کنید و امیدوارم انشاء الله خوب درست کنید اما این جا نوشته شده است در این ماده (و تشویق کامل خدمت گذاران دولت) تا بحال ما دیدیم دولت و وزراء نه فقط کارکنان دولت را تشویق نکردند بلکه آنها را مأیوس کردند و دماغشان را سوزانیدند حتی همین اواخر آقای نخست وزیر مأمورین بازرسی عالی هیئت وزراء که اسم آن را گذارده بودند بازرسی عالی کشور اینها را مأیوس کردند برای رسیدگی و بعداً معلوم نشد که چه شد بازرسی آنها چه شد



و بعد هم دونفر از آن اشخاص را که خوب خواسته بودند یا بد خواسته بودند رسیدگی کنند آنها را اصلاً منتظر خدمت کردند و عوض تشویق آنها را منتظر خدمت کردند و باز سهائی که آقایان در هیئت وزراء دارند آنها را بکارهای کوچک میگذارند و در صورتیکه در این مملکت ما کارهای خیلی واجب تر و لازم تر هست که باید آنها بروند آن کارها را رسیدگی کنند آنها را میفرستند بکارهای انتخابات و این تشویق مأمورین خدمتگذار دولت تا بحال از طرف دولت های گذشته بهیچوجه عملی نشده است اینها را همان وزیر گنج کنها عقب میزنند برای این که اگر مأمورین خدمتگذار تشویق شوند و جلو بیایند ممکن است بیک وزیری از آن وزیر گنج کنها بگویند و شما آقایان وزراء نسبت با آنها بد نظر و بدبین بشوید آن وزیر گنج کنها بشما میگویند اینها آدمهای مهملی هستند و از شان کاری ساخته نیست یا اینکه میگویند اینها آدمهای تندی هستند و مدیر نیستند و این جور شما را اغفال میکنند همین وزیر گنج کنها ولی اگر بخواهید شما اینها را پیدا کنید و موفق شوید این وزیر گنج کنها را و از خود دور کنید آن زمان ممکن است موفق شوید که شروع کنید بیک اصلاحات. ماده ۷ مربوط بجوانها است این جوانها بر دو رقمند جوانهائی هستند که در وزارتخانه های شما هستند و جوانهائی هستند که در خارج از وزارتخانه ها هستند. اگر در این هفت هشت ده ساله جوانهائی که از اروپا آمده اند و داخل وزارتخانه ها شده اند یا اینکه اغلبشان خودشان را با این محیط هم رنگ کرده اند یا از وزارتخانه های بیرون رفته اند برای کارهای شخصی این کار را تحت مطالعه قرار بدهید میبینید آنهائی که رفته اند بیرون و بکارهای شخصی پرداخته اند آنهائی بودند که خواسته اند هم رنگ محیط بشوند. این يك اصلی است که تشخیص خوب و بد جوانها را میدهد و البته يك جوانهائی هم هستند در خارج که با این حقوقهائی که امروز بمأمورین میدهند با سانی نمیآیند بكمك وزارتخانه ها بلکه اگر يك فکری برای حقوقها بکنید اینطور نمیشود. امروز وزارتخانه ها برای مستخدمین خودشان

ایران اصلاح میشود اگر چه این حرف بنده مزاحم و کلای ولایات بشود بنده عرض میکنم شما وزراء اگر همت دارید و ولایات را فراموش کنید و این شهر تهران این مرکز فساد اخلاق را اگر توانستید اصلاح کنید ایران اصلاح میشود و الا بهمین رویه که میگذرانید همین رویه خراب ادامه پیدا میکند. دیگر نظری که بنظر بنده میرسد این است که این ادارات و وزارتخانه های ما هر کدام يك اداره تفتیش دارد و يك اداره انتظامی تعیین رسیدگی به تخلفات اداری دارد و در این وزارتخانه های ما يك چیز عادی شده است که هر عضوی که بی لیاقتی بخرج میداده است او را میگفتند برو توی بازرسی و مثل يك دارالایتم چه میشود گفت؟ (یکی از نمایندگان - دارالعجزه) او را بیرون میکردند و میفرستادند توی بازرسی و همین اشخاص را که وزارتخانه های دیگر از آنها ناراضی بودند پس فردا وزیر باو میگفت برو در ولایات و مشغول بازرسی شو در صورتیکه این همان مأموری است که بطور غضب رانده شده و او بزرگترین و مهمترین کار را رسیدگی میکند که بازرسی است این از عجائب فکر و زراری مملکت ما است بنده عقیده مندم که تمام بازرسی هائی که در وزارتخانه ها هست و تمام این اداراتی که باید رسیدگی کنند همه اینها را از همه جا جمع کنند و همه را يك وزارتخانه درست کنند که اولاً اینها با وزارتخانه خودشان تماس نداشته باشند و ثانیاً بهترین مأمورین را برای بازرسی قرار بدهید برای رسیدگی بتخلفات اداری و اینرا البته يك اداره مستقل قرار بدهید چرا؟ عرض میکنم يك اداره مستقل برای اینکه آن مأمورینی که در آنوزارت خانه خودشان بوده اند اینها همیشه بهمیدیکر نان قرض میدهند و اینها را اگر در يك وزارتخانه مستقلی قرار بدهند و چند نفر مستشار و چند نفر از رجال خوب را هم بگذارند ممکن است که آن وزارت تفتیش و رسیدگی يك معنای حقیقی خودش را پیدا بکند و بودجه هم برای اینکار لازم نیست برای اینکه همین مفتشینی که در این وزارتخانه ها و ادارات وجود دارند اینها را جمع کنید و دیگر بودجه زیادی

نمیخواهد فقط چیزی که هست يك وزیر اضافه میشود و اگر وزارت هم نشود يك اداره زیاد کنید تصور میکنم اگر این عمل را بکنید میتوانید بنتیجه های نیکوئی برسید. حالا از آقایان اجازه میخواهم يك چیزی نوشته ام که جنبه اجتماعی دارد برای اینکه صحبت هائی که میشود قدری تحریف میشود چون این آقایان صحبت هائی که میکنند در روزنامهها تحریف میشود و چون این يك فکر اجتماعی است اگر لغت هایش پس و پیش بشود درست نمیشود و بعلاوه چون خود بنده هم ممکن بود درست نتوانم پیرو رانم باین واسطه نوشته ام و استدعا میکنم که بخوانم: اگر احوال اجتماعی و اداری این مملکت را در این چند سال اخیر مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که همشه بین مردم و دولت دیوار عظیمی از بدبینی و بی اعتمادی نسبت بهمدیدگر و عدم همکاری و تفاهم حائل بوده است زیرا دولت هائی که بر سر کار آمده اند هیچ وقت با احتیاجات روحی ملت توجه و علاقه مندی نشان نداده اند و خوشحرا دلسوز و خدمتگذار جامعه معرفی نکرده اند بلکه بجای هدایت و رهبری عامه و ارضای احساسات و تسکین درد های درونی مردم کارهائی کرده اند که بیشتر موجب رنجش و آزردهائی روحی ملت گردیده است باین جهت اینحالات روحیه در مردم ایجاد شده است که این دولتها را از خود ندانسته و مفید بحال خویش تصور نکنند و با داشتن ناراضماندی کامل از اصلاحات بدست این دولتها مأیوس و نا امید باشند کسانی که بعلم الاجتماع و فلسفه تاریخ آشنائی دارند میدانند که این احوال روحی مقدمه و زمینه ایست برای يك انقلاب شدید اجتماعی و در ممالکی که انقلابات سخت و خونین پدیدار شده در ایام قبل از انقلاب نظیر همین اوضاع و احوال کنونی مملکت ما وجود داشته است یعنی رجال و زمامداران آن مملکت بدبختی های مردم را با کمال بی قیدی و بی اعتنائی تلقی نموده و ادارات و دستگاه دولت گرفتار بی نظمی و اختلال بوده و اولیاء امور با عدم توجه با احساسات ملت خود تصور میکردند که با طفره زدن و باری بهر جهت نمودن و ادامه بهمان رویه معیوب و پوسیده میتوان يك ملت را



محافظت و نگاهداری نمود و با امروز و فردا کردن با مقدرات يك جمعیت بازی کرد. اوضاع و احوال اجتماعی و اداری ما امروز عیناً بهمین منوال است و با وضع حاضر و مقدمات موجود فعلی طبیعتاً انقلابی در حال تکوین است و اینکه عرض میکنم وهم و تصور نیست بلکه بنظر من حقیقتی است که تاریخ نظائرش را نشان داده و نمیتوان آن را انکار یا پرده پوشی نمود. اما آیا این انقلاب باعث خوشبختی و نجات این ملت خواهد شد یا موجب بدبختی آن خواهد گشت مطلبی است که قبلاً نمیتوان حدس زد ولی این مقدار میتوان پیش بینی نمود که ممکن است این انقلاب بدست اشخاصی بیقتد که بمعنای حقیقی انقلاب اجتماعی ایمان کامل نداشته باشند و بالنتیجه این جنبش هم مانند انقلاب مشروطیتمان به نتیجه مطلوب نرسد. بنا بر این برای جلوگیری از این انقلابی که در حالت تکوین است عقیده مندم که آقایان وزراء و و کلاء و وطن پرستان با عزمی راسخ و همتی عالی بفداکاری و ابراز رشادت و تهور تصمیم بگیرند تا بتوانند با این فساد اخلاق عمومی در جامعه و دوائر دولتی به سختی مبارزه نمایند و بدون هیچ ملاحظه با کمال سخت دلی عوامل این فساد و بدبختی یعنی زالوهای اجتماعی و ادار را به مجازات سخت برسانند و برای اصلاح امور جامعه و تجدید حیات این ملت حتی از اعدام و تیرباران عناصر فاسد گناهکار پروا نداشته باشند (صحیح است) در جلسه خصوصی که در حضور آقای نخست وزیر بودم در آن جلسه خصوصی بنده خدمت نخست وزیر عرض کردم که ما ده وزیر دیوانه لازم داریم (خنده نمایندگان) آقایان پوز خندی زدند ولی مقصود این است که اینها وزرائی باشند متهور و وطن پرست دیوانه احساسات وطنی باشند دیوانه اصلاحات اخلاقی باشند بعضی از نمایندگان حالا هم که این موضوع عملی شده؟

**فرماند** - این عرض بنده را درست بموقع اجراء بگذارید و این عرض بنده را آقای نخست وزیر که همانطور توضیح دادم تلقی فرمودند که ما اشخاص خیلی رشید میخواهیم و واقعاً

هم رشید میخواهیم. وزرای امروز اگر رشادت بنترج ندهند انقلاب در پیش داریم تشنج در پیش داریم بدبختی های بسیاری در پیش داریم آقایان وزراء باید بدانند که امروز روزی است که اگر بخواهند بهمان طریق گذشته که عرض کردم ادامه بوزارتشان بدهند و مملکت را بخواهند روی همین روال پیش اداره بکنند این مملکت ما در مخاطراتی است که خود آقایان وزراء همه در درگاه ملت و پیش وجدان خود مسئول واقع خواهید شد؟ اینها عرایض کلی بنده بود و حالاً میخواهم نسبت بیکی دو تا مطلب نسبت بوزارتخانهها عرض بکنم که جنبه تذکره را دارد. اولاً خدمت آقای وزیر جنگ میخواهم عرض کنم که آقای وزیر جنگ شما يك بودجه ای دارید که حالا من نمیدانم چقدر است و شیفرش را و عددش را مطلع نیستم بنده عقیده ام این است که آقای وزیر جنگ با این بودجه يك قشون كوچك سیر و با روح برای ما درست بکنید اعم از این که این قشون ۲۰ هزار نفر باشد یا ۲۵ هزار نفر یا ۳۰ هزار نفر باشد. شما اگر در این مملکت قشونهای متفقین ما را می بینید سربازهای آنها سیرند و صاحبمنصبان آنها حالت و روحیه دارند و شما باید يك قشونی در این مملکت درست کنید که هم افراد آن سیر باشند و هم صاحبمنصبان آن با روحیه باشند. اگر شما بمن جواب بدهید که سرباز آمریکائی البته با سرباز ایرانی يك جور تربیت نشدند بنده بشما جواب عرض میکنم که شما بتاریخ مراجعه کنید بروید بتاریخ سیصد سال قبل نگاه کنید به بینید قشون قزلباش شاه عباس برای ما چکار کرده اند حالا شما هم برای ما قشون درست کرده اید این قشونی که امروز شما دارید سربازش گرسنه است و صاحبمنصبانشان روحیه ندارند و صاحبمنصب جوان درست کار درس خوانده اروپا را میآورید میگذارید زیر دست يك صاحبمنصبی که درس نخوانده و جز فارسی نوشتن چیزی نمیداند. البته این يك نکاتی است که شما باید دقت کنید که يك صاحبمنصب عالی چطور میتواند زیر دست يك صاحبمنصب نادان انجام وظیفه کند؟ یا تمام این جوانها را

بردارید و پیرها را جاشان بگذارید و يك قشونی تهیه کنید مثل دوره مظفرالدین شاه یا این که آنها را جمع کنید حالت و روحیه آنها را تکمیل بکنید و افکار وطن پرستانه در آنها وجود بیاورید و نگذارید افکار سیاسی پیدا کنند و اینها افکارشان اصلاح شود و روحیه پیدا کنند و با آنها يك قشونی درست کنید. این قشونی که شما دارید حالت روحی شان تکمیل نیست باید يك قشونی درست کنید که اول حقوق صحیح آنها را سیر کند لازم نیست که حتماً پنجاه هزار نفر یا صد هزار نفر باشد بیست و پنج هزار نفر موثوریزه باشد و لوازم جنگی امروزه را داشته باشد و هر وقت لازم باشد بهر نقطه ای بروند بسرعت فرستاده شوند و قبلاً هم عرض کردم اگر دولت ما عادل باشد و مقتدر باشد هیچوقت محتاج باعمال قوه نظامی نخواهد شد چون ایرانیها و قتیکه از دولت عدالت به بینند مطیع میشوند و بنده انتظار دارم از وزارت جنگ که يك قشونی درست بکنند که حالت روحیه آنها درست باشد و سیر باشند. وضعیت قشون شما حالا خوب نیست و همچنین صاحبمنصبان شما البته باستثنای بعضی ها. در خصوص وزارت کشور هم خواستم تذکره عرض آقای وزیر کشور برسانم اول نکته ای که باید توجه ایشان باشد این شهر بانی ما است. در تمام این شهر باین بزرگی هفتاد هشتاد یا نود پست آژان دارید در صورتیکه این تشکیلات را وقتی سوئدیها دادند شهر طهران ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشت و از حیث وسعت هم خیلی از حالا کمتر و کوچکتر بوده هزار گونه مخارج می کنند بدون این که توجه داشته باشند که این شهر باین بزرگی در عوض ۹۰۰ نفر آژان باید اقلأ سه چهار هزار نفر داشته باشد آنوقت بخود نظمیه که وارد میشود می بینید درست تا اطاق پر از جمعیت است آنجا که لازم است خرج بکنند نمی کنند و آنجا که لازم نیست خرج بکنند میکنند و لخر جی های عجیب و غریب. آقای وزیر مالیه ملاحظه بفرمائید که چه و لخر جیهائی میشود و در يك جائی که میخواهند نفر آژان زیاد کنند وزارت مالیه کمی بودجه را توی سرشان میزند. نظمیه شما

امروز نه روح دارد و نه عدد و صاحبمنصبان آنجا را هم شما خودتان بهتر میدانید بنده نمیخواهم مورد انتقاد قرار بدهم که در وزارت جنگ و در همین نظمیه شما در این دادن ترفیعات این شب عید بقدری تبعیض شده است که حالت روحی این صاحبمنصبان وزارت جنگ و نظمیه هم خراب شده است شما این خرابی روحیه را نمیدانید چقدر مضر است شما اقدام بکنید بلکه اصلاح شود بدترین چیز این است که تبعیض شود توی يك صاحبمنصبان يك اداره ای یا توی مأمورین يك اداره این از اولین نقایصی است که باید اصلاحش بفرمائید آقای وزیر جنگ آقای وزیر کشور در شهر بانی شما يك مستشاری آورده اید و این مستشار هر چه پیشنهاد میکند کسی گوش نمیدهد چرا؟ چون اختیارات ندارد. کارهای ما ایرانیها باید همیشه افراط و تفریط باشد يك جا اختیارات میدهیم زیاده از حد و يك جا مستشار میآوریم هیچ اختیاری ندارد اصلاً گوش بحرف آنها نمیدهند مثل اینکه عضو زائداست. این مستشار امنیه این مستشار نظمیه برای چه آمده اند و چه کار میکنند؟ چرا گوش بحرف آنها نمیدهند برای چه آمده اند برای چه فکری آمده اند این را آقایان بکارهای آنها باید توجه بکنید کارهای مملکت ما که نبایستی شوخی باشد ما این خودمان اگر شوخی میکنیم با خارجی ها که شوخی نمیشود کرد؟ جمله آخر بنده این خواهد بود که البته شاید کسی از آقایان وزراء این حرف بنده را سوء تعبیر نکند روی افکار اصولی که بنده عرض کردم مخالفت بنده با این بود که آقایان وزرائی که تا بحال تشریف آورده اند و وزیر شده اند اینها ما را نا امید میکنند که کاری بکنند چون بنده از وزرای سابق نا امید هستم اینست که مخالف ولی میتوان تصور کرد که روحیه اشخاص در زمانهای مختلف عوض میشود. این تصور البته يك اندازه ای بنظر بعید میآید این اشخاصی که عادت کرده اند بر اینکه وزارت را برای این نکته بخواهند که وزیر بشوند فقط این نیت است و نیت دیگری ندارند این کابینه وزیر بشوند محافظه کاری بکنند و با اعضای وزارتخانه شان خوب رفتار بکنند و از



هوچی های وزارتخانه و از هوچی های بیرون بترسند این جور وزراء نیتشان اینست که دفعه دیگر هم که هیئت وزراء عوض میشود دوباره وزیر شوند (صحیح است) اینطور وزراء بدرد خودشان میخورند بدرد مملکت ما نمیخورند شما وزرائی هم که تازه آمده اید اگر بخواهید اینطور وزارت بکنید که دو مرتبه وزیر بشوید شما هم تصور میکنم که نتوانید بوزارتخانه های خودتان خدمت کنید عرض کنم بنده با آقایان مخالف نیستم چون بنده گفتم که وزیر تازه میخواهم ولی اگر شماها هم بخواهید مثل وزرای پیشین وزارت کنید بدانید که برخلاف وظیفه وجدانی و ملی خودتان رفتار کرده اید. حالا ما انتظار داریم بلکه وزرای تازه که ما تقاضا کرده ایم از آقای نخست وزیر اینها یک رشادتهایی بخرج بدهند یک دیوایه گریهائی بخرج بدهند بلکه اگر اینها بکنند وزراء پیشین هم بآنها تاسی بکنند چون اگر در حقیقت چند نفر وزیر با تهور باشند ممکن است دیگران هم همان عمل را بکنند و تاسی بکنند بآنها و الا ما این مخالفت را از دل بیرون نمی آوریم با این وزراء امیدواریم که شماها کار بکنید و تنها دلیل مخالفت بنده نسبت با آقایان وزراء سابق از روی این نیت بود که میترستم کار نکنند. امروز روزی است خطر ناک روزی است که باید سرعت کار انجام داده شود روزی است که مسامحه نمیشود کرد. این بود که ما این مخالفتها را کردیم و امیدواریم که برخلاف این را به بینیم.

**اردلان** - مذاکره وزراء مربوط به موافق و مخالف نیست آن ترتیب محفوظ است یک قسمت فرمایشات اخیر یا اول نماینده محترم چون مربوط باشخاص میشود بنده در این باب حرفی نمی زنم ولی وظیفه آقای نخست وزیر است که نظریه خودش را نسبت بانتهای وزارت بعارض مجلس شورای ملی برساند ولی نسبت بمذاکراتی که راجع به برنامه و وضعیت عمومی مملکت شد البته وظیفه دار هستم که مطالبی را بعارض آقایان برسانم. معایب زیاد است و چیزی هم نیست که تازه باشد از قدیم هم بوده است در بعضی قسمتها زیاد تر شده است

نظر میگیریم صورت مشروح مذاکرات مجلس برای ما یک سندی خواهد بود که با مراجعه آن صورت مطالبی را که حقیقتاً قابل اجرا باشد بموقع اجراء میگذاریم. این هیئت دولت یا هر هیئت دولتی که بالاخره طرف اعتماد مجلس شورای ملی واقع شود البته وظیفه دار است که نظریه نمایندگانش را بموقع اجرا بگذارد. البته یک چیز هائی پیدا میشود که اجرای آن مشکل است آنرا هم باز میآئیم میگوئیم باین دلیل باین دلیل این اشکال هست پولش را دارید بدهید و اگر ندارید باشد. برای مواقع بعد. بنابراین بطور کلی بنده باید اقرار بکنم که معایبی در کار هست و باید اصلاح شود حالا بنده اگر اینجا عرض کنم که فرصت لازم است این را تصور نفرمائید که بنده میخواهم سر کار بمانم اما خودتان هم تصدیق کنید که تا فرصت در کار نباشد مجال است کاری از پیش برود برای اینکه خوب عقیده خودم را عرض کنم (اگر کسی مخالف باشد تاریخ و عمل آینده نشان خواهد داد که حرف حسابی کدام است) یک مثال عرض میکنم تصور نفرمائید یک مهندس عالی مقامی که میخواهد بنائی بسازد و نقشه ای گذاشت و گفت آنقدر مصالح لازم است آنقدر کارگر میخواهد و بالاخره آنکسی که میخواهد این کار برای او انجام داده شود تمام وسائل را هم برای آن مهندس فراهم کرد آیا ممکن است اینکار را در یک روز انجام دهد؟ این محال است و باید یک فرصتی داشته باشد که بتواند این کار را بکند (دکتر معظمی - بشرط اینکه اول مهندس باشد) یا آن آجرها را رویهم بگذارد و ساخته شود. بنابراین عرض میکنم که کار مملکت اصلاحش حتماً تدریجی است و ایجاد اشخاص خوب و دانستن و اعتماد پیدا کردن به کسانی که میتوانند یک کار هائی را انجام بدهند همان هم مدت میخواهد هر روز که نمیشود تجربه کرد دیدیم بد شد باز از سر بالاخره روز خودمان را میگذاریم به تجربه که در همین مشروطیت ما که یک مدتی از عمرش گذشته است و یک مدتی هم تعطیل بود حالا خوب یا بد یک اوامری اجرا میشد و در همان اوایل مشروطیت یک چیز هائی گفته میشد

و صحبت هائی میشد جوابهائی هم داده میشد و بالاخره خوب و بد مورد بحث جرائد و مردم واقع میشد و میدیدند و بالاخره پس از گذشتن مدتی آدم های خوب پیدا میشدند برای مثال عرض میکنم آقای مؤتمن الملک را چطور شد که مردم فهمیدند ایشان خوب هستند و بایشان معتقد شدند؟ پس از اینکه یک مدتی گذشت معلوم شد والا خود بخود روزی که ایشان از مدرسه بیرون آمدند نمیشد که این اعتماد را مردم بایشان پیدا کنند البته یک مدتی هم در کار لازم است تا اصلاحات بعمل بیاید منتهی البته اگر پروگرامی نباشد و یک رویه ای برای دولتی که سر کار میآید تعیین نشده باشد زندگی روزمره ما را بجائی نمیرساند ولی وقتی که یک برنامه ای معین شد و مجلس هم پشتیبان یک برنامه بود البته دولت یک انگائی برای خودش تصور میکند و بآن اتکاء میتواند آن فکر هائی که بوده است بموقع عمل بگذارد. حالا بر میگردیم باین اظهاراتی که در این دو سه روزه از طرف آقایان نمایندگان شد و نسبت بآن چیز هائی که بنظر بنده خیلی اساسی رسید یک عریاضی عرض کنم: موضوع اول بیانات آقای دکتر مصدق السلطنه بود که فرمودند بنده جواب عرض کنم. بنظر بنده این جا باید گفت که آوردن مستشار همینطور که کلیاتش مورد تصدیق همه بوده و دوره ۱۳ قانون آن را گذراند و اختیاراتی داد برای دکتر میلیسپو و بایران او را دعوت کرد این محسنات را نباید از نظر دور داشت یعنی همانطوریکه میدانید در وضعیت سابق معایبی وجود داشت که مجبور بودیم برای اصلاح کار مالی خودمان یک مستشاری از خارج بیاوریم. پس لزوم آنرا که دوات تصور کرد و مجلس شورای ملی تصویب کرد و قانون گذراند این سبب شد که ما یک عده مستشار از آمریکابه ایران بیاوریم. حالا معایبی که برای عملیاتی که آن ها کرده اند ذکر میشود نمیشود در یک قسمتهائی دفاع کرد برای اینکه محتاج بتحقیق است و نسبت بهریک از موارد که گفته شده مخصوصاً آقای وزیر دارائی توضیحات کامل خواسته اند و در آتیه نسبت بهریک از موارد مخصوصاً اظهاراتی



او همکاری میگردم البته او زیر دست من کار میکرد ولی هم کاری مانعی ندارد با آن منشی هم آدم همکار است منتها یک وزیر مقام بالاتری دارد ولی همکار هستم و با او همکاری میکنم ولی البته وزیر بالاتر است چون قانون معین کرده است خلاصه بنده ایشان را یک شخص درستی میدانم و مایل بکار حالا منتهی ممکن است یک اشخاصی که با او آمده اند کاملاً لیاقت ندارند یا اینکه مابقدری کار را برای او گنده کردیم که دیگر از عهده بر نمیآید. یک قانونی اینجا خود آقایان نمایندگان اصرار داشتند که تصویب کنند و معتقد بودند که باید کار غله را داد فلان را داد فلان اختیار را داد خوب حالا مطالعه میکنیم در وظایف او او هم مستخدم ما است بالاخره یک چیزی نیست که هر چه بگوید اجراء شود خیر او مستخدم ماست و چیزی را که صلاح بدانیم و مجلس شورای ملی رأی بدهد ایشان اجراء میکنند و مجبور نیستیم باینکه اطاعت بکنیم کارهای غلط آنها را الآن آقای نخست وزیر به بنده اجازه فرمودند که اگر فرصت باشد همین جاعرض کنم که اگر بدانیم یک مستخدمی خطا کرده است البته نمیگذاریم که اینطور خودش هر کاری را میخواهد بکند البته ما میتوانیم از او جلو گیری کنیم. پس بنا بر این بطور کلی عرایض بنده نسبت به میسیون آمریکائی این خواهد بود که مطالب گفته شده یک یک تحقیق و تدقیق میشود بطور کلی دولت در نظر خواهد داشت که نسبت باختیارات و اقتدارات و کارهایی که به آنها مراجعه شده تجدید نظری بکنند و با توجه با فکر نمایندگان محترم اطلاعات خودش را بعرض مجلس شورای ملی برساند. مطالب دیگری هم اینجا گفته شد منجمله راجع به انحصار یکی میگفت خوب است و یکی میگفت غلط است بنده این را هم میخواهم عرض کنم که این را بطور کلی نمیشود درش یک تصمیمی گرفت یعنی یک مرتبه نمیشود رأی داد که تمام انحصارات از بین برود و همه چیز را باید از حال انحصار بیرون آورد زیرا خیلی چیزها است که جنبه لو کس دارد و طرف احتیاج مردم نیست با مضر است مثل الکل مثل دخانیات اینها در غالب ممالک دنیا

انحصار است و این عقیده شخصی بنده است چون هر کس میتواند نظریه خودش را تعقیب کند باید رسیدگی نمود کدام یک لازم است که تحت انحصار دولت باشد یا کدام یک نباشد البته این مسلم است که دولت تاجر خوبی نیست و دلیل هم ندارد که دولت حتماً تاجر باشد مخصوصاً موقعی که نمیتواند اسباب رفاهیت مردم را فراهم کند وقتی که ما نمیتوانیم و وسیله اش را نداریم که در تمام مملکت بطور متحدالشکل و یک جور تمام اهالی استفاده بکنند اینها را در انحصار خودمان نگاه نداریم هیچ معنی ندارد باید وسایلی در نظر بگیریم که تاجر بتواند از آن اجناس تهیه کنند و رقابت آنها موجب خواهد شد که هر قدر ممکن است راحت تر آن اجناس در دست اختیار مردم بیاید پس بطور کلی باید تحقیقات کرد و مطالعه کرد آن چیزیکه واقعاً انحصارش مهم است و بحال مردم مفید است در انحصار نگاهداشت و آن چیزیکه می بینیم برای مردم اسباب رفاهیت است و برای تجارت مفید است آنرا باید آزاد گذاشت اینجا از مأمورین بد یا زیادی مأمورین وزارتخانه ها صحبت میشود شاید خود بنده این نظر را داشته باشم که یک قسمت تشکیلات وزارتخانه ها زیاد است ولی متأسفانه چون در مملکت کار کم است نمیشود یک دفعه مردم را بیکار کرد باید یک تشکیلات جدیدی داد البته نباید مردم را بنویس و تشویق کرد و عادت داد مردم را بنویس کردن گفتند مرحوم علاءالدوله گفته بود که کسیکه نان نو کوی خورد دیگر آن نان و لاش نمیکند بدبختی است که آدم عادت داشته باشد به نو کوی کردن بنده خودم اگر بقالی میکردم امروز بقال معتبری بودم و احتیاج نداشتم که وزارت بکنم و اینجا این اظهارات را بکنم و انتظار یک رأی اعتماد را داشته باشم این است یک کسی که دلش میخواهد یک جاه و مقامی داشته باشد میرود نو کوی میکند ولی آن مرحوم خوب گفته است که وقتی کسی عادت کرد بنویس دیگری او را ول کن نیست این عبارت بی مطالعه نیست حالا وقتی که ما این بیچارگان را بیرون کنیم اینها دیگر نمیتوانند بیکار بگردند. همانها باعث زحمت دولت وهم نمایندگان وهم میشوند یک قسمت از این

زحمت ها را کی ایجاد میکند همینهایی که بیکار شده اند آن کسیکه مشغول کار است اسب خودش را سوار است و در اداره کار میکند ولی آن کسیکه بیکار است و منتظر خدمت است یک زحمتی برای او تولید شده است که اینجا بدود و آنجا بدود و یک حرفهای حسابی هم پیدا میکنند بنا بر این باید یک قدری هم فکر این بیچاره ها را کرد منتهی باید دولت در نظر داشته باشد که خوب و بد را از هم جدا کنند و حقیقه اگر خوب را خوب تشخیص داد باید او را تشویق کرد و تقویت کرد و آدم بد را باعلی درجه تعقیب و مجازات نمود اگر این کار را بکنند قطعاً کارها خوب میشود ولی نمیدانم چرا نمیشود این کار را کرد مگر اینکه خدا خودش بکند و الا در عمل دیده شده است بمحض اینکه یک دزدی را میخواهند تعقیب بکنند نمیدانم چطور میشود که تیر نه میشود ( خنده نمایندگان ) حالا چطور میشود نمیدانم بنا بر این همانطور که در برنامه دولت است باید قوه قضائی را تقویت کرد و مستقل نگاهداشت و از آنجا باید خواست که واقعاً تعقیب کند بد کاران را بنده خودم این کله ها را میکنم من در وزارت بهداری ۱۷۰-۱۸۰ پرونده احتکار و اختلاس را یکی یکی فرستادم و یکی را ندیدم که تعقیب شود این یک چیزی است که اگر آقایان نمایندگان این نظر را تعقیب کنند دولت میتواند وزارتخانه ها را اصلاح بکند اما یک چیزی که اینجا گفته شد و دیروز آقای دکتر کشاورز گفتند شاید امروز هم آقای فرمند همان رویه را فرمودند که اشخاص سابقه دار خوب نیست روی کار باشد آدمهای تازه کار باید باشد کسی منکر این نیست البته آدم پیدا میشود و مملکت که خالی نمی ماند بنده باشم بنده زاده خواهد بود.

**دکتر کشاورز** - بدبختی همین است.

**اردلان** - اجازه بفرمائید آقایان اما سابقه دو جور است ممکن نیست که هیچ جا اشخاص بی سابقه را کارهای مهمی بآنها داد و بکارهای بزرگ گمارد توجه بفرمائید آقایان سابقه سابقه سیاسی است میگویند ره چنان رو که ره روان رفتند آخر نمیشود گفت که پانزده میلیون دوازده میلیون جمعیت را بگوئیم که یک



کاری بکنند که هیچ جای دنیا نمیکنند يك چنین چیزی که بنظر بنده پسندیده نیست دنیا چه کار میکند؟ دو دسته اشخاص ترقی میکنند یکی از راه اجتماع ترقی میکنند و یکی از راه اداره راه اجتماع این است که يك کسیکه فکرش خوب بود روزنامه نویس میشود در انجمن ولایتی انتخاب میشود و کیل مجلس میشود وزیر میشود همینطور میآید در آن جاهائیکه جمهوری است رئیس جمهور میشود اما هیچوقت همچو چیزی نمیشود که تا کسی از مدرسه بیرون آمد آدم ۲۵ ساله را ببرند رئیس الوزراء بکنند چنین چیزی نمیشود.

**هاشمی** - صحیح است.

**دکتر کشاورز** - کی این را گفته است؟

**اردلان** - گوش کنید آقا یکی دیگر جنبه اداری است که يك کسی وقتی تحصیلاتش را کرد تصدیق خودش را که گرفت میرود با اداره ترقی میکند رتبه هایش را میگیرد و تدریجاً میرود بالا تا اینکه مدیر کل میشود وزیر میشود هیچوقت نمیشود مثلاً يك روزنامه نویس را که مثلاً دو نمره روزنامه بیرون داده این را با يك روزنامه نویس که ده سال روزنامه نویس است در يك ردیف قرار بدهیم این هیچ وقت نمیشود و سنگ روی سنگ بند نمی شود يك نفر شخصی که تازه رفته است اداره رتبه يك گرفته است معنی ندارد که با يك مدیر کل مقایسه کرد گمان نمیکنم که هیچيك از آقایان این نظر را داشته باشند بنابراین بر آرسی در زندگی اداری لازم است و در زندگی اجتماعی آن سیری را که دارد باید بکند هیچوقت نمیشود مرحوم سلیمان میرزا را با آن شخصی که تازه وارد حزب شده و دو مرتبه صحبت کرده و فقط گفته است فلان کرده ام و فلان کرده ام مقایسه کرد هیچوقت نمی شود این دو نفر را یکی کرد بایستی يك شدایدی بیاید پول بآدم بدهند نگیرد تهدید کنند اثر نکند تهدید به مرگ کنند نمیدانم چه کارها بکنند و شخص از جاده حقیقت منحرف نشود تا اینکه خدا رحمت کند يك سلیمان میرزا پیدا شود و جز این نمی شود پس سابقه

هم برای کار لازم است این کلیات بود که عرض کردم حالا میروم روی اصل موضوع که بر نامه است که آقای فرمند فرمودند و بیخود بما حمله فرمودند آن مسئله بیمه دزدان بود اگر ایشان میتوانند و وسایلی داشتند که معرفی کنند این دزدانرا خوب بود همه ما باید کمک کنیم بیکدیگر که ریشه آن از بین برود اگر ما توانستیم که این حقه بازی و پول گرفتن ها را از بین ببریم همه کارها درست میشود و اصلاح میشود ولی من از آن ترسانم که باینکه متصل اوضاع در تغییر است موفق نشویم یکی دیگر که فرمودند کیج کردن وزراء است خودم نمیتوانم ادعا بکنم که کیج نمیشوم ولی بنده که نمیخواهم کیج شوم بنده هم کیج میشوم این هم خیلی صحیح است و باید البته سعی کرد اشخاصی که رؤساء یا وزراء یاو کلارا کیج میکنند اینها را دستشانرا از کار کوتاه کرد سعی کنیم که ما مورین درولات خدمت کنند چون آدم هیچوقت نباید صحبت از خودش بکند این يك چیز کوچکی است عرض کنم آتوقتی که کنفرانسها معمول و بنا بود بنده کنفرانس بدهم این موضوع را گفتم که این پولیکه ما از مملکت میگیریم این باج سبیل نیست این اصولاً يك پولی است که ما باید در مقابل آن خدمت کرده و کار کنیم وقتیکه فلان تاجر یا سبان را میبیند خوشش بیاید بگوید حافظ حقوقم را دیدم نه اینکه وقتیکه او را می بیند راهش را کج بکند که او را نه بیند همینطور امنیه و همینطور مستنطق که این مطلب را دیشب با آقای وزیر دادگستری میگفتم که این مستنطق که توی بازار راه میرود این فکر را نداشته باشد و نگوید چون من قرار توقیف صادر میکنم باید از من بترسند هر خان هر والی از من بترسد تمام مردم از من بترسند خیر این مستنطق باید کاری کند که تمام خوششان بیاید و حظ کنند که حافظ حقوق خودشان را می بینند این را گفتم بلکه انشاء الله اثر بکند آقا عمل بکنید اگر کمک بکنید عمل خواهیم کرد حالا آمدیم روی برنامه که اصل موضوع است چون بطور کلی روی کلیات که مخالفی نبود و آقایانی که بیاناتی فرمودند دیده شد که روی کلیات آن مخالفتی نبود فقط بعضی از آقایان عقیده شان این بود که چیزهای خوبی نوشته شده ولی نمیتوانیم عمل بکنیم مرحوم

مشیر الدوله میگفت قانون را وقتی که نوشتید همین نوشتن موجب میشود که از صدها اجرا شود حالا اگر خوب نوشتید ده ده بالا میروند حالا ما هم يك چیز خوبی را نوشتیم اگر آقایان تصدیق کردند داخل عمل میشویم و شروع بکار میکنیم در سیاست خارجی همه متفق علیه بودند که خوب است در دوره های پیش که آقای نخست وزیر فعلی در وزارت امور خارجه اش بودند يك رویه کامل و معینی در جریان بوده است که خوشبختانه باعث خشنودی است و باعث افتخار اشخاصی است که در این کار شرکت داشته اند و خواهند داشت نظر کامل و متقابل متحدین خودمان را همیشه با خودمان مساعد داشته باشیم. ماده بعد امنیت عمومی خوب حالا کلیاتش را عرض کردم هیچکس نمیتواند بگوید امنیت عمومی بد است ولی وقتی که گذاشتیم اینجا باید ببینیم روی آن چه جور عمل میکنیم بازمی آئیم روی اتحاد و اتفاق مرکزی آن اصل کلی که فرمودند وقتی که مرکز اصلاح بشود همه جا اصلاح میشود وقتی که نمایندگان محترم با دولتی که سر کار نگه داشته اند توافق نظر داشتند کارها اصلاح میشود کسی مخالف نیست که در هر جای کشور باید يك اقدامی کرد وقتی که واقعاً تعقیب کردند امنیت عمومی بر قرار میشود وقتی که همه کمک کردیم میتوانیم بگوئیم آن کسی که گوشه نشسته و خود را وطن پرست میداند ولی میخواهد فکرش را تحمیل بکند وقتی که همه گفتید نباید اینطور باشد این سر جایش می نشیند ولی وقتی که اینطور نبود او هم بیشتر استفاده میکند باور بفرمائید که ایران همین محوطه تهران نیست البته این را هم میدانیم ما باید يك نظر خیلی عمومی داشته باشیم اولاً باید بگوئیم که آقا مملکت ما چقدر وسیع است و چطور افکار مختلفی در هر جا پراکنده است و میخواهد برفع خصوصی محوطه خودش خدمت بکند و يك کاری بکند ولی بالاخره اتفاق و اتحاد که اینجا هم باز صحبت کردیم که اگر من جای شما بودم در بند اقلیت و اکثریت نبودم این را امروز باید در نظر داشته باشیم که اگر همه يك فکری داشته باشیم و تمام نمایندگان يك فکر

جرايد ما بدون استثناء يك فکر داشته باشند و با دولت هم متحد باشند و افکار عمومی هم یکی باشد تازه معلوم نیست که آن چیز حسابی که برای مملکت ما مفید و لازم است بتوانیم بدست بیاوریم زیرا يك قسمت از کارهاست که تنها با اتحاد و اتفاق ما انجام نمیشود یعنی انجامش مشکل است مثلاً فراهم کردن لاستیک فرضاً پانزده میلیون جمعیت دور هم جمع شدیم و گفتیم که لاستیک لازم است لاستیک میخواهیم اگر همسایه ما نخواهد بدهد ما دیگر لاستیک نداریم و اتومبیل راه نمی افتد خیلی ساده است حالا چیزهای خیلی بزرگ را عرض نمیکنم بنابراین ما بایستی امروز همه با هم همفکر باشیم و واقعاً اگر همه آقایان یا ۵۰ نفر ۶۰ نفر گفتند اردلان خوب نیست بد است باید برود اگر همه گفتند این دیگر دعوا ندارد باید برود يك دقیقه هم دیگر نمیتواند بماند ولی با گفتن یکی دو نفر نباید برود و نخواهد هم رفت و می ماند.

**دکتر کشاورز** - پس اقلیت در مجلس معنی ندارد.

**اردلان** - چرا اقلیت معنی دارد ولی اگر مرحمت میفرمودید این طور نبود خود بنده هم يك وقت مثل شما در اقلیت بودم از شما هم تندتر میرفتم اما حالا وضعیت مملکت طور دیگر است و چون بشما کمال ارادتر دارم اینرا عرض کردم و اگر کسی دیگر بود نمیگفتم اما راجع بخواربار چون این يك کار فوق العاده مهمی است بر نامه هم که تصویب نشده است ولی از بس موضوع خواربار مهم و مفید است برای اجرای آن دولت مشغول مطالعه شده است که هر يك از آقایان نمایندگان نظریات مفیدی داشته باشند مرحمت فرمائید کمک فکری نمایند چون نسبت بخواربار گفته میشود که محصول امسال مثل سال قبل نیست باید يك فکری بکنیم و آنچه بر میخورد بموضوع مستشاران آمریکائی البته هر فکری که شد بعرض مجلس میرسانیم ولی تصدیق میفرمائید که مدت وزمان لازم است تا دولت انجام بدهد یعنی تأمین بکند خواربار را حالا راهش چه جور است چون راههای مختلف دارد. راههای مختلف ممکن است اسباب اختلاف نظرها باشد که بعضیها میگویند



از فلان راه باید اصلاح بشود و بعضی ها عقیده دارند با يك اختیاراتی که از بعضی ها گرفته شود و بدیگری داده شود اصلاح میشود بنا بر این گمان میکنم که با مطالعه در موضوع دیگر اشکالی باقی نماند اما راجع بماده سوم که آقای فرزند فرمودند خیلی مشکل است و اشکال کردند که پولهای زیادی میخواهد البته همینطور است که میفرمائید برای اینکه بنده وقتیکه در وزارت بهداری بودم با مالیه مذاکره کردم میگفتند که احتیاجات خودتان را صورت بدهید و بنحو اتم و کامل بگوئید ما خوشحال شدیم نشستیم يك مدتی زحمت کشیدیم و بودجه نوشتیم و صورتی تهیه کردیم که هر چند هزار نفر يك تخت خواب میخواهد و برای بیمارستانهای متحرك چقدر وسایل لازم داریم و با وجود اینکه خدا اقل را در نظر گرفتیم در حدود چهار صد میلیون بودجه وزارت بهداری شد وقتی که رقمش را دیدند تا کردند گذاردند کنار البته همانطور که فرمودند يك پولهای زیادی میخواهد که این کارها بشود ولی این ماده ۴ از شدت احتیاج بیول میکاهد برای اینکه همان اختیاراتی است که باشخص ممکن است بدهیم و اگر آقایان موافقت فرمودید و رأی دادید البته میتوانیم بموقع اجرا بگذاریم یعنی يك مقدار اصلاحات را از خود اهالی میخواهیم ولی نه آنطور که فرمودند بدست دوسه نفر اشخاص معین داده شود ما يك تاجری داشتیم میگفت تا يك جا عروسی است ما سه چهار نفر را دعوت میکنند تا هر خبری است ما را دعوت میکنند تا کسی میمیرد ما را سر ختم دعوت میکنند البته در هر کجا اشخاص خوبی که هستند که از وجود آنها باید استفاده کرد آنها هم یکی از وظایف مهم نمایندگان است که در هر شهر اشخاص خوبی را باید بوزرای مسئولش معرفی کنند و البته وقتی که برای اصلاحات بهداشتی و وضعیت زندگی بزرگها بکفدری اختیار بخود اهل محل دادیم وضعیت بهتر میشود و آن کمکههای عمومی هم که ممکن است اگر مجلس داد البته خوب میشود يك ماده مهمی که نظر بنده و توجه آقایان نمایندگان را باید جلب کند ماده ۵ است.

## ( طباطبائی - ماده نیست )

**اردلان** - ببخشید جزء ۵ این جزء ۵ برنامه چند ساله است که آن خیلی مهم است که بایستی با تغییر دولت ها از بین نرود يك قسمت از کارها است که باید جزء برنامه عموم باشد نه اینکه در يك کابینه شروع شود و دیگری که بیايد برنامه عوض شود اینهم خودش يك موضوعی است ولی در اینجا معمول شده که کارهای تغییر میکنند و بعضی این که يك کسی میآید و يك فکری پیدا میشود و دیگری که میآید خراب میکند و بعضی اینکه روی کار آمد فکر خودش را میخواهد عمل بکند و فکر دیگری را غلط میدانند و همینطور در تغییر و تحول و نقل و انتقال افکار است این برنامه را اگر ما میخواهیم که جزئیاتش را بگوئیم ملاحظه میفرمودید که چقدر مفصل میشود چون حالا که آنقدر در اطرافش صحبت میشود اگر فرصت میشد که برنامه چند ساله تهیه شود حالا ما میبایستی در برنامه صحبت کنیم این يك چیز مهمی است و امیدواریم آقایان نمایندگان محترم کمک بکنند تا دولت موفق شود که يك برنامه چند ساله با اطلاع اشخاص ذیفهم بعرض مجلس برساند که تغییر و تبدیل اشخاص و تغییر کابینه تائیری در آن نداشته باشد این را ملاحظه بفرمائید که از خارج هم بنده تذکر داده شده است باور بفرمائید که از خارج از اینطرف و آنطرف قوم و خویش و دوست میگفتند اگر تو در کابینه بودی این کار را بکن که برای اصلاحات مردم تکلیف خود را بدانند آن مأمورین هم تکلیف خودشان را بدانند. این ماده آخر هم يك چیز خوبی است ( یکی از نمایندگان - باز مواد فرمودید ) ببخشید اشتباه میکنم ماده نیست جز است آقایان خودشان میدانند که وضعیت سخت است آنکسیکه میخواهد با این مواجب فعلی زندگی بکنند نمی تواند باور کنند اگر از قدیم يك چیزی داشته یا يك اثاثیه در منزل داشته یا از پدرش چیزی داشته يك روز دو روز میرود با قرض میکند یا چیزی را میفروشد و زندگانی را ادامه میدهد.

**یمین اسفندیاری** - با شب کاری میکند.

**اردلان** - بنا بر این این يك چیزی است که دولت به عرض مجلس میرساند که يك تذکری شده باشد که باعث رفاهیتشان بشود و مجازاتی که آقایان نمایندگان تذکر دادند در برنامه دولت هست تا در مقابل تشویق و کمک باشخص خوب کلمه مجازات و تعقیب نباشد معنی ندارد هر دو باید باشد در این جزء از برنامه هم این گنجانیده شده که اشخاص خوب را باید تشویق بکنیم و اشخاص بد را از ادارات بیرون کنیم و هم تعقیبشان کنیم و امیدواریم که این کارها پیش بیاید و آقایان که در خارج یا در کار هستند کمک کنند و علنی کنند که فلان آقا این خیانت را کرد من یقین دارم که اگر چهار یا پنج مورد پیش بیاید و آقایانیکه وارد کار هستند یا در خارج هستند کمک کنند باین فکر که بگویند آقا این آدم این خطارا کرد این خیانت را کرد یا آن امانتی را که باو سپردید بآن خیانت کرد و معلوم شد آنوقت خیلی اثر دارد.

**مهندس فریور** - بیشتر عزیز میشود.

**یمین اسفندیاری** - تکلیف روشن میشود.

**اردلان** - آنوقت خیلی اثر دارد و آن شخص خائن از بین میرود جزء آخر برنامه هم همان فکری است که همه آقایان دارند و آن استفاده از وجود جوانان تحصیل کرده است البته این از وظیفه دولت است خود بنده جوان نیستم ولی فکر بنده امیدوارم جوان باشد ولی مساعد هستم آیه قرآن هم هست: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ و این البته همینطور هم هست که اشخاص با علم و بی علم یکی نیستند با سواد با ایمان و فداکار و فعال با شخص عاری از سواد یکی نیست و بهمان تناسب که اول عرض کردم تناسب هم بهمان تناسب معلومات باید باشد شما اگر يك تحصیلدار کوچکی را از او کار خوب ندیده باشید امانت نمینید نمیتوانید امین مالیه اش بکنید تا امین مالیه يك شهرستانی خوب کار نکرده پیشکار مالیه نمیتواند بشود و بعد وزیر نمیتواند بشود

**نایب رئیس** - پیشنهادی است که از طرف آقای فولادوند رسیده قرائت میشود.

( بشرح زیر خوانده شد )

پیشنهاد میکنم چون بحد کافی در این چندروزه مذاکراتی که لازم بود در اطراف برنامه دولت شده و بیشتر مذاکرات برای تذکر بوده است و با توجه باینکه مدت بگماه است که مملکت در حال بلا تکلیفی است و بیش از این بزیران مملکت تمام خواهد شد بکفایت مذاکرات رأی گرفته شود که هرگاه دولت موجب اطمینان است مشغول کار شود و ادارات مملکت از حال بلا تکلیفی خارج شود.

**نایب رئیس** - آقای فولادوند اگر توضیحی دارید بطور مختصر بفرمائید.

**فولادوند** - منظور عرض بنده این است که دولت يك ماه است که به مجلس معرفی شده و رأی اعتماد باوداده نشده است و مطالب هم بعنوان موافق و مخالف گفته شده است چندین نفر هم صحبت کرده اند و بیشتر مذاکرات هم به عنوان تذکر بوده. الآن دولت هم تکلیفش معلوم نیست که بماند یا نماند اگر رأی اعتماد بدولت داده شود ممکن است این تذکرات بعداً داده شود چرا مملکت را بحال بلا تکلیفی نگاه میدارید اول سال است زراعت باین بدی محصول باین بدی وضعیت مملکت باین بدی است غیر از این که مردم از بین بروند دیگر نتیجه ای ندارد بعقیده بنده باید رأی اعتماد بدولت گرفته شود.

**نایب رئیس** - آقای ملک مدنی اگر مخالف هستید بفرمائید.

**ملک مدنی** - عرض کنم آقای فولادوند توجه نکردند که در آغاز دوره چهاردهم و افتتاح مجلس نمایندگان که در مجلس آمده اند اینها يك تکلیف و وظایفی دارند که باید خرابی هائی که در این دو سه سال و بیش از شهر یور به اینطرف در این مملکت ایجاد شده است اینها را باید مجلس دوره چهاردهم اصلاح کند و اصلاح این بدبختیها هم بوسیله يك دولت توانا و مقتدری باید انجام شود و مطالب در اینجا باید بحث شود و حالا در فراکسیون های مجلس من باب مثال عرض کنم الآن از فراکسیون میهن که ۲۰ نفر است بنا بود یکنفر از طرف فراکسیون نظریات آقایان



اعضاء آنرا بیان کند خود بنده مأمور بوده‌ام که نظریات فراکسیونرا اینجا باطالع مجلس و دولت برسانم که تکلیف يك بیست نفری معلوم شود اشخاصی هستند که پیش از بنده اجازه خواسته اند و میخواهند صحبت کنند من باید نظریه فراکسیون میهن را که ۲۰ نفر هستند به اطلاع دولت و مجلس برسانم یا نباید برسانم پس بنا بر این بایستی که یکی دو روز دیگر در مجلس در اطراف برنامه دولت صحبت شود و اینهم مورد اشکالی نیست دیگر فرمودند که مملکت بی تکلیف مانده است و بلا تکلیف گذاشته شده است و ممکن است از این حیث ضرر و زیانی وارد شود خیر اینطور نیست مملکت بی تکلیف نیست روزیکه ما اظهار تمایل کردیم اینها مشغول کار شدند البته وقتیکه مذاکرات در اطراف برنامه دولت تمام شد اگر رأی اعتماد داده شد دولت میرود سرکارش اگر رأی اعتماد داده نشد که دولت میرود پی کارش و بالاخره بنده میخواهم عرض کنم که مجلس دوره چهاردهم و نمایندگان دوره چهاردهم باید این اصول ماست مالی را کنار بگذارند ما خودمان میدانیم که هیچ کاری در وزارتخانه ها اجرا نمیشود و همه ماها شاهد اوضاع و احوال هستیم و تمام کار وزارتخانه ها را معاونین و مدیرکل ها میکنند آقایان وزراء سرکارشان هستند و مشغول کار شده اند ما يك مطالب حساس و اجبی داریم که باید گفته شود من صریحاً عرض میکنم که اگر این آقایان میخواهند کار بکنند برای مملکت و میخواهند بمانند باید رویه شان برخلاف دولتهای سابق باشد آنها رویه شان طوری بود و کاری در مملکت کردند که مملکت باین روز افتاده است که الآن دو سه روز است ده یا دوازده نفر روی برنامه دولت روی خرابی کارها صحبت کرده اند البته باید تکلیف را روشن کرد باید در اول کار مجلس با دولت يك تکلیف روشنی داشته باشد و حقیقتاً تکلیفش را روشن کند و بدانند بنده قسم خورده‌ام که برخلاف صلاح مملکت کاری نکنم بنده میدانم که حتی یک نفر از آقایان هم جز صلاح مملکت نظری ندارد اگر یک نفر هم مخالفت کرد و

ورقه کبود بدهد او هم تشخیص داده است که خیر مملکت این بوده است همانطور که در همه جای دنیا هم معمول بوده است و آن کسی هم که کارت سفید میدهد و موافق است عقیده اش صلاح مملکت است و معتقد است که این دولت مفید است بگذارید حرفهاشانرا بزنند یک قدری قضا با روشن شود و عامه مردم بفهمند که و کلاشان این درد هارا متوجه هستند وزراء دارند کارشان را میکنند البته بنده طرفدار این مطلب بودم که اگر از روز اول این کار شده بود که از هر فراکسیون یک نفر دو نفر و از طرف منفردین هم یک نفر دو نفر صحبت بکنند و حرف بزنند کار را آسان تر میکرد و مطلب روشن تر میشد حالا هم بنده از طرف رفقای خودم عرض میکنم که ما بیست نفر هستیم و یک نفر هنوز صحبت نکرده است و تا صحبت خودمان را نکنیم رأی نخواهیم داد

**نایب رئیس** - رأی میگیریم: پیشنهاد آقای فولادوند آقایان موافقین برخیزند (دو سه نفر بیشتر برخاستند) تصویب نشد.

**نایب رئیس** - آقای آصف.

**آصف** - اینکه بنده بعنوان موافق اجازه خواسته‌ام در بدو امر توضیحی لازم میدانم عرض کنم که پس از آنکه مجلس شورای ملی در بدو امر تشکیلات هیئت رئیسه را داد و هیئت رئیسه معین شد و مجلس آماده کار شد در جواب خطابه اعلیحضرت همایونی از طرف مقام ریاست مجلس شورای ملی يك شرحی نوشته شد و اعلیحضرت همایونی تمایل مجلس شورای ملی را نسبت به نخست وزیر جدید خواستار شدند فراکسیونها و منفردین تبادل نظر کردند و بالاخره باندیای مشوش امروزه و وضعیات کشور خودمان اینطور تشخیص دادیم که اصلح این است که جناب آقای ساعد زمامدار بشوند و در جلسه خصوصی آقای رئیس بمانند کرد دادند که آقای ساعد قبول کرده اند لیکن مایل هستند که آقایان نمایندگان راجع به تشکیل کابینه يك تبادل نظری بکنند ما در جواب گفتیم یعنی يك عده ای معین شدند در يك شب که خودشان تشریف آوردند در این اطاق مجلس در

خدمتشان مذاکره کردیم و گفته شد که نسبت به انتخاب آقایان وزراء نظر خاصی نداریم باین معنی نظر خاصی نداریم زیرا موقعیت میهن ما اینطور ایجاب میکند که ما یک قدری تسلط بر نفس بخرج بدهیم و البته همه ماها قوم و خویش داریم آشنا داریم اشخاصی را میشناسیم و ماها ۹۰ نفر هستیم اگر هر کدام یک نفر به نخست وزیر معرفی کنیم باید يك کابینه نود نفری تشکیل بدهیم پس از روی این نقطه نظر که بحرانی ایجاد نشود و ایشانهم بتوانند يك وزرائیکه بتوانند کار بکنند بیاورند و يك اشخاصیکه سابقه خوب دارند و دامنشان پاک است و مردم از آنها متنفر نیستند و خادم جامعه هستند و نیکنام هستند آزاد بخواب هستند از آن اشخاص انتخاب کنند و بیاورند و نظری بقدم و جدید نداشته‌ام و روی این چند صفت که عرض کردم گفتیم اشخاص را بیاورند باز گفته شد که آقای نخست وزیر مایل هستند که چند نفر از آقایان نمایندگان بروند خدمتشان مذاکره بکنند من جمله بنده کوچک هم جزو آن اشخاص بودم که در کاخ وزارت خارجه رفتم و صحبت کردیم و باز تصمیمات اولی خودمان را تغییر ندادیم یکی برای اینکه ایشان دست و بالشان باز باشد برای تشکیل کابینه یکی هم اینکه ما نظر شخصی را مدخلیت ندهیم البته همه آقایان معتقدند که مصالح عمومی بر نظر شخصی ترجیح دارد دفعه اول هم که کابینه شان را آوردند اینجا معرفی کنند و بنده هم امروز اجازه قبل از دستور خواسته بودم و مصادف شد با تشریف آوردن هیئت دولت و بنده آن روز مجبور بودم بطور کلی از رؤس مسائل چند کلمه را بعرض برسانم حالا هم برای اینکه تکرار نکرده باشم آن مطالب را چنانچه همان روز هم عرض کردم که يك مطالبی راجع بولایت خودم و موکلین خودم دارم که بعد عرض خواهم کرد و حالا امروز آن روز است که من برای موکلین خودم و همشهریهای خودم ناله بکنم و از مصائب گذشته وضعیت حاضر آنها چند کلمه ای را بعرض مجلس برسانم لیکن در موضوع موافق و مخالف با دولت بنده البته جزء اشخاص موافق هستم ولی در عین حال چون مدتها بود بنده آرزو مند بودم وضعیات کشور ما طوری

باشد که يك روز که يك دولتی به این جامی آید یا يك وزیر که اینجا حضور بهم میرساند ما بقدری مستغنی باشیم همه اش در اطراف آسایش مردم و عظمت میهن و آزادی افراد کشور بحث نموده و به تفننات پردازیم اگر همچو روزی بود مذاکرات موافق و مخالف طرز دیگری بود ولی متأسفانه هنوز امروز را ندیده‌ام و من میترسم بمیرم و يك چنین روزی را نه بینم مگر اینکه دستی از غیب برون آید و کاری بکند یا همان خدائی که در مواقع مهم این کشور و میهن ما را حفظ کرده است حالا هم ما را در يك شاهراه سعادت بی سوق دهد اینکه عرض کردم برای موکلینم حرف بزنم اگر چنانچه مانماندگان بخواهیم از وضعیت گذشته حرف بزنیم باید برای مدت بیست سال حرف بزنیم اگر بیست روز وقت لازم نباشد البته بیست ساعت لازم است هر سالی يك ساعت و اگر بنا باشد نود نفر هم بخواهند حرف بزنند گمان می‌کنم دو هزار ساعت وقت لازم داریم و این هم عملی نیست و باین جهت بنده سعی میکنم که حتی المقدور در عرایض خودم باختصار بگویم ولی ناگزیرم اگر امروز دردهایم را بگویم پس کی بگویم بنده از بدو زندگانیم يك تصمیمی گرفته‌ام و این هم موضوع خود خواهی نیست زیرا عمل هر کسی يك پرونده دارد و بهترین قاضی هم افکار عامه این تصمیم بنده است که خواه در مشاغل دولتی و خواه در خدمات ملی باشم یا بر کنار باشم یا در کردستان باشم یا در طهران باشم در هر حال و در هر لباس يك کمبری برای خدمت بجامعه بستم که تا آخرین مرحله زندگانی و توانائی سعی میکنم که وظیفه خود را انجام داده و آن کمر خدمت را باز نخواهم کرد پس باین جهت بنده با کمال ارادت و نزاکت يك مطالبی دارم بایستی بعرض مجلس برسانم زیرا تجربه به بنده ثابت کرده که بزرگترین لذت کوچکترین خدمتی است که بجامعه بشود هیچ مکلفی و هیچ نشئه بالاتر از آن نیست (این هم سوء تفاهم نشود بنده بهیچ مکلفی معتاد نیستم و زندگانی بنده خیلی ساده است) و حالا باید يك شمه ای از وضعیات کردستان را بعرض برسانم بعد موضوع موافقت خودم را با هیئت دولت حاضر البته عقیده خودم را میگویم و جواب



از کرد بر آن جلوس نخواهد کرد (صحیح است) برویم سر معاملاتی که از طرف پاره مأمورین که باز تراکت و ادب بمن اجازه نمیدهد که عجالتاً اسم آنها را ببرم که در این مدت گذشته در آن صفحات چه فجایعی کردند و چه معاملاتی کردند مأمورینی که حافظ حقوق جامعه باید باشند بدون اینکه شرح جزئیات بدهم عرض میکنم که اینها يك مردمانی بودند که نه از خالق شرم داشتند و نه از مخلوق و من شرم میکنم که جزئیات را اعمال آنها را عرض کنم و فقط بعرض کلیات قناعت میکنم اشخاص با گناه و بی گناه را باهم توأم کردند برای استفاده بنده عرض میکنم که در چه قوم و قبیله و در چه ملت و در چه شهری خوب نیست و بد نیست حتی در يك خانواده ده نفری ممکن است نه تاش خوب باشد و یکیش بد باشد آیا میشود برای بکنفر بد سایرین را هم بد دانست اینها بطور کلی برای اینکه بمافوق بگویند که ما خدمتگذار هستیم و دیگران خائن هستند و برای اینکه يك پرده ضخیمی را جلو چشم ما بکشند و عملیاتشان مکتوم بماند و مردم را باین سیاه روزی گرفتار کنند تر و خشک را باهم سوزانند و یکعده مردم بیگناه را از عشایر و از شهری به اسم اینک اینها مخالف سیاست آندوره هستند توی سیاه چالها انداختند يك عده شان مردند و معدودی که باقیمانند در وقایع شهریور آزاد شدند بر گشتند بوطنشان دیدند که چیزی برای آنها باقی نمانده است از نقد جنس اثاثیه و اسب و قاطر حتی سگ هم نمانده است همه را بار کرده اند و بردند حالا میگویند چرا این اشخاص عاصی شده اند بنده هم عرض میکنم که ببله عاصی هستند عده و امروز که بنده این جا ایستاده ام شاید يك مقداری از املاک خود بنده هم در تصرف آنها باشد ولی باید تشخیص داد که چرا اینطور شده است اگر خوبها و بدها را از هم تفکیک میکردند و آن اشخاصی که آنروز این عملیات را کردند و میخواستند بگویند که ما خادم هستیم و خیانت کردند و بخلاف مشیت الهی کار کردند و بملت و مملکت خیانت کردند آنها را مجازات میکردید اینطور نمی شد (صحیح است) آقای نخست وزیر آقایان وزراء بنده کسی هستم که طرفدار این هستم که بایستی همچنانکه ملتی پشتیبان ما است ما هم از دولت صالح پشتیبانی کنیم شما چیزهایی

بودم و چه در گوشه و کنار برای اینکه وجدانم در عذاب نباشد پی این بودم که تسهیل امری برای همولایتی های خودم بکنم منجمله يك روزی بنده وقت گیر آوردم و به شخص اول مملکت عرض کردم که کردستان ما امروز فاقد صحیه است آنروز امر فرمودند بر رئیس بهداری آنوقت یعنی همین وزیر بهداری حالا و اجازه دادند که بروم لمیشن را به بینم در خیابان ناصر خسرو هم اداره شان بود رفتم و مطالب را بایشان گفتم ایشان گفتند که این تقاضای شما صحیح است ولی این روزها با این بودجه که ما داریم هیچ د کتری حاضر نیست برود من بایشان گفتم ممکن است که شما يك طبیبی را بفرستید ما هم چند خانواده که از خودمان توانائی داریم کمک میکنیم و شما هم يك د کتری بفرستید که بدرد ما بخورد و آدم کش نباشد و بنده خودم هم با چند نفر صحبت کردم و بالاخره نشد و به نتیجه نرسیدیم و این موضوع ماند و هر روزی که روی کار میامد بنده یا در مشاغل رسمی بودم یا نبودم برای اینکه بولایت و هم نوع خودم خدمتی بکنم میرفتم و تذکر میدادم که آقا وضعیت ما اینطور است و میگفتم که آقا از این پولهای که مامی دهیم يك مقدارش را هم خرج خودمان بکنید که اینها زنده باشند که بشما مالیات بدهند هیچ اقدامی نکردند تا يك سال و نیم قبل که از حسن اتفاق آقای امان الله اردلان که انشاء الله در امان خدا باشد وزیر بهداری شد و بعرض بنده ترتیب اثر دادند و آنوقت میدانم چطور شد که ديك مرحمتشان بجوش آمد که يك مقدار دوا و يك د کتری بمادادند و يك مقداری پول حالانده خدمت آقایان عرض میکنم تازه يك منطقه که چهار صد و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد يك مریض خانه ده تخت خوابی دارند این موضوع بهداشت ما است به بینید چه مصیبتی است حالا می آئیم موضوع فرهنگ بنده اصولاً با این برنامه که درسنوات اخیر وزارت فرهنگ تهیه کرده است و عمل میکرده کاملاً مخالفم زیرا البته آنچه که برخلاف عقیده بنده باشد بنده بی باکانه با کمال ادب عرض خواهم کرد رفتن



در صحرای جلالیه و در جا زدن وزلف دختر و پسر پریشان کردن و توی آب شنا کردن برای این مملکت فایده ندارد بایستی علم اساسی تحصیل کرد علمی تحصیل کرد که بحال جامعه مفید باشد (صحیح است - آفرین) آقای دکتر غنی خدا انشاء الله در دنیا و آخرت شما را غنی کند یک توجهی در این پروگرام بکنید حالا این وضعیت بهداری ما بود که عرض کردم که آنهایی که توانائی دارند شاید بتوانند با تحمل مخارج گزافی بطیب مراجعه کنند آنها که ندارند که بایستی سر کوجهها از بی وسیله گی جان را بجان آفرین تسلیم کنند و بمیرند ( اردلان - صحیح است) وضعیت فرهنگ ما هم همین حال را دارد البته اشخاصی که توانائی دارند باید اطفال خودشان را بشهرستانها یا بمرکز بفرستند و این یک عیب دارد بعقیده بنده و آن روی تربیت خانوادگی است که باید این طفل که روز میرود پی درس خواندن شب باید بیاید پیش والدینش و آن تربیت خانوادگی اش را داشته باشد حالا مادر کردستان تا کلاس نه دخترانه داریم و تا کلاس یازده پسرانه و تکمیل آن با جنابعالی است اما وضع شهرداری الآن عرض میکنم در حضورتان که شهر کردستان یک تله خاک و شهر خاموشان است باین معنی که بنده از چند سال قبل یعنی از موقعی که شروع شد با اصلاحات شهرداری در طهران و در ولایات آن روز رفتم و بر رئیس الوزرای وقت گفتم که موقع اینست که کردستان هم از این اصلاحات بهره مند شود ولی جواب دادند که بله ما الهم فالاهم را در نظر داریم اول از طهران شروع می کنیم و بعد ولایات میپردازیم دوسه سال از این قضیه گذشت و آقای جم وزیر کشور شد رفتم خدمتشان و عرض کردم ایشان یک قدری دست بهم مالیدند و گذشت تا اینکه ایشان نخست وزیر شدند گفتیم خوب حالا دیگر موقعش رسیده که یک مرتبه راجع بکردستان بشود ایشان یک لایحه شصت هزار تومانی آوردند بمجلس و رفقای آرزو هم موافقت کردند و ما هم نوشتیم بموکلین خودمان که مایک همچو خدمتی عجاله کرده ایم و بنده هم اجازه گرفتم و رفتم آنجا در حدود بیست هزار تومان برای مقدمات امر خرج شده بود که یک تلگرافی از

مرکز آمد که آن شصت هزار تومان را دست نزنید که باید بمصرف دیگری برسند تلگراف کردند که بیست هزار تومان خرج شده جواب دادند که باید بیست هزار تومان را با ربحتش پس بگیری مثل اینکه دولت حبشه بیک دولت دیگری قرض داده بود و تا پارسال یعنی تا سنه گذشته اقساط این مبلغ را میدادند این هم وضعیت اصلاحات شهرداری ما بود و وضعیت کردستان برای روشنائی آنجا که یک موتوروی خود اهالی بزحمت درست کردیم الآن موتوروش خراب شده و شهر خاموش است و یک خیابانی هم که در داخله شهر که از همان شصت هزار تومان شروع کردند و نصفه کار ماند و سه چهار سال بعد یکی از آقایان دیگر دیده بودند آنجا و بفرمانداری آنجا تشریف برده بودند و گفتند که این خیابان کم است و من هم باید یک خیابان برای نام نیک خودم باز کنم همینقدر که صبح شد یک عده با بیل و کلنگ و بیرق قرمز ریختند و خانه های مردم را خراب کردند و کودتای بلدی شروع شده بود برای اینکه خیابان دیگری احداث کنند که همینطور خراب مانده است و بعضی از ساکنین آنجا هم توانائی نداشته اند که دیوارهاشان را بالا ببرند. حالا خیابان اولی که نصفه کاره باقیمانده این هم وضعیت خیابان دومی است که در مقابل آن تعدادی که بما شده میخواستند که تکمیل کنند حالا ما انتظار داریم در مقابل این احساساتی که از طرف اهالی کردستان نسبت بدولت و شخص اول مملکت بوده است اعلیحضرت شاهنشاه جوانبخت ما و دولتی که در روی کار میآید یک مرتبه بفرمایند که این اصلاحات بشود نه اینکه نمکی هم روی جراحات ما بیاشند. موضوع دیگری که بعقیده بنده فوق همه اینهاست موضوع نان است زیرا شیکم گرسنه را هیچ چیز جواب آن را نمیدهد دوسال قبل این وضعیت پیش آمد ولی چون یک مقداری از مازاد در دسترس بود بنده خودم چون حسب الامر دولت وقت و تمایل مردم چهارده ماه به امور فرمانداری آنجا میپرداختم و منت هم بکسی ندارم باید همیشه خدمت بکنم از طرف دولت بما اطلاع داده شد و ما هم آنچه توانستیم

به برادرهای تهرانی کمک کردیم ولی امسال وضعیت طوری است که شاید نه ما بتوانیم کمکی برسانیم و نه شما بتوانید بما کمکی بکنید بایستی از حالا در تمام کشور در فکر باشید و یک فکر اساسی بکنید دیگر بسته بنظر خودتان است و بعد هم مجلس شورای ملی که باید مستحضر باشند این بود که راجع بوضعیات آنجا که بنده عرض کردم خلاصه امر را عرض می کنم اما در موضوع برنامه دولت در جلسه قبل بعضی از رفقا دو سه نکته را تذکر دادند که در اغلب آن تذکرات بنده هم شریکم زیرا کشور ما سراسر محتاج به اصلاح است گمان میکنم همکار عزیزم آقای دکتر کشاورز بودند با آقای کاظمی که یک اسمی از آزادی بردند و بنده تصور میکنم که این توضیح واضحات است و مثل این است که آقایان وزرا در سر برنامه شان بنویسند که ما مسلمان هستیم و باید نماز بخوانیم این معلوم است که ما مسلمان هستیم و باید نماز بخوانیم و رو به قبله به ایستیم این البته واضح است و الآن نتیجه آزادی است که بنده و جنابعالی و دیگران اینجا صحبت میکنیم پریروز آقای کاظمی نوش جاناشان باشد یک تنگ آب را نوشیدند و یکساعت حرف زدند این نتیجه آزادی است اگر آزادی نبود هیچکدام صدامان در نمی آمد همینطور که آقای اردلان الآن فرمودند که سابق هیچکس نمیتوانست صدایش در بیاید آقای فاطمی گفتند که من ولی بنده با اینکه صدامان در نمی آمد ولی گوشه و کنار کارهای خودمان را میگردیم بهر حال اگر این مطلب را میخواستند در سر او چه برنامه بنویسید بنده میگفتم صحیح نیست حالا راجع بتشکیل دولت و افراد کابینه ما همانطور که رئیس دولت را معتمد خودمان قرار دادیم پس از یک مذاکرانی که در دو جلسه در خدمتشان شد گمان میکنم با آن پاک فطرتی و میهن پرستی که دارند ایشان هم ساعی باشند که اشخاص خوب همکارشان باشد و کار خوب برای مملکت انجام بدهند بنده معتمد که یک مرض مسری که در این مملکت و در این پایتخت وجود دارد او را از بین برداریم آن مرض مرض وزارتست اگر ما این کار

را کردیم خیلی کارها اصلاح میشود توضیح بدهم یعنی چه؟ یعنی از آقایان معمرین که سابقاً دارای این شغل بوده اند یا از جوانانیکه دیروز روی کار آمده اند و آنهایی که سابق روی کار بوده اند هر وقت زنگ تلفونشان صدا بکند خیال میکنند که آقا را احضار کردند برای اینکه پست وزارتی بهشان بدهند آنهایی که جدید هستند شاید هم از قوم و خویشان خودمان جزو تماشاچیها باشند که بعد از اینکه دیپلم گرفت خیال میکنند که باید از پائین حیاط یکمرتبه بیایند اینجا و جای آقایان بنشینند و این فکر فکر صحیحی نیست بنده معتمد که باید از تجربه قدما نتیجه گرفت و از تحصیل جوانان استفاده کرد و یک نردبانی را بایستی این جوانان بگیرند و تشریف بیاورند بالا و آن این است که وقتی تحصیلاتشان پایان رسید نباید فوری بیایند رئیس اداره یا مدیر کل باشند بجای این باید اینها مخصوصاً بروند در ولایات و در اطراف و کثافات کشورشان کار کنند بنده می بینم اشخاصی هستند که تمام اروپا را دیده اند ولی نصف مملکت خودشان را ندیده اند و نمیدانند آقا در ضمن خیلی است بنده در چند سال قبل یکی از آقایان که الآن در کابینه هستند وزیر کشور بودند تقسیمات کشور را آورده بودند در کمیسیون بنده مخالف بودم بعد از آن خواستند بروم بوزارت کشور رفتم و بایشان توضیحات دادم که شما میخواستید اقل از من پرسید شما یکمرتبه از سندج رفته اید به سقز و این دوشهر چندین جا را از قلم انداخته اید آخر در این بین ما هم یک تشکیلاتی هست و یک بخش هایی هست فرمودند بمن که شما حالا مخالفت نکن ما مهندس میفرستیم برود و یک نقشه دقیقی بردارد که آن نقشه دقیق هنوز هم برداشته نشده حالا اگر یک وزیری از اطراف مملکت اطلاع داشت میدانست که بنده چه میگویم و او چه میکند حالا بنده از شما آقایان وزراء میپرسم که در بندطلبی یعنی چه جسارت نباشد خیال میکنید خوراکی است این یک در بندگی است در میوان و اورامان و بالاخره یک وزیری باید اطراف و کثافات کشورش را بداند کجا است البته این که عرض می کنم برای این است که جوانان ما بایستی تجربه



پیدا کنند و باین صورت تربیت شوند والا بعداً البته خواه ناخواه زمام مملکت بدست همین جوانان خواهد بود ولی باید جوانان با تجربه تربیت شوند و روی کار بیایند حالاً هم این کابینه که تشکیل شده بنده از اشخاصی نیستم که فشار بیاورم با آقای نخست‌وزیر که حتماً کمی را بیاورید و کمی رانیاورید و بنده عقیده‌ام این است که یک فرجه به اینها بدهیم زیرا گفته شد که اینها همان آقایان سابق هستند ولی بنده بدو دلیل موافقم یکی اینکه در ادوار سابق اگر اینها کار خوبی برای ما نکردند کار بدی هم از ایشان ندیده‌ام و حقیقتاً آزادی خواه و میهن پرست هستند و آقایانی هم که تازه آمده‌اند چه خودم کسب اطلاع کردم و چه دوستان من که با اینها مربوط هستند میگویند اشخاص بدی نیستند ما هم جز این کاری نداریم که عرض کردیم که مرخصی است ما جلو دست اینها گذارده‌ایم اگر چنانچه خوب از عهده معالجه بر آمدند مردم خشنود و خودشان هم خوشوقت و اگر خیر نتوانستند از عهده بر آیند بعد از یکماه بعد از دو ماه میروند این را هم عرض کنم اصلاحات یک کار آسانی نیست خرابی که در یکروز ممکن است این عمارت پنج طبقه را خراب کرد آنوقت بنا کردنش وقت لازم دارد حالا ما یک فرصتی باینها میدهم (نه فرصت زیاد) که انشاء الله الرحمن اینها مطابق آمال ملی ما کار بکنند اگر کردند که ملت و مجلس پشتیبان اینها است و الارش و قیچی دست خودمان است سؤال میکنیم و استیضاح میکنیم و با همان اسلحه که در جلسه اول حضورتان عرض کردم یعنی کارت های آبی بکار خواهیم برد ولی بنده امیدوار هستم باین تذکراتی که همکاران محترم و خود بنده دادیم آقای نخست وزیر جهد خواهند کرد که این اصلاحات عملی شود و طوری مقاصد همه را انجام بدهند که هم ملت شاداب و هم مجلس خندان باشد بیشتر از این بنده زحمت نمیدهم و بعد تذکرات دیگری که بنظرم رسید بعرض آقایان خواهم رسانید و اینک میدان را میدهم بدست آقایان (بعضی از نمایندگان - احسنت)

پیشنهاد آقای دکتر معظمی

بنده پیشنهاد میکنم جلسه بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً چهار ساعت بعد از ظهر تشکیل شود.

**دکتر معظمی** - بنده صورت اسامی آقایانیکه میخواهند صحبت بفرمایند دیده‌ام سی و نه نفر هستند. از این عده تا کنون نه نفر صحبت کرده‌اند و سی نفر دیگر باقی هستند و بنده هم مخالف صحبت کردن آقایان نیستم زیرا همین مذاکراتی که در مجلس میشود دلیل بر این است که مجلس چهاردهم یک روح تازه دارد ولی از طرفی هم ما باید از اوقاتمان استفاده کنیم باید مطابق معمول جلسه هارا فاصله های معین تشکیل دهیم و حالاً که بنده این پیشنهاد را کردم برای این بود که مبادا جلسه موکول بروز یکشنبه شود لهذا بنده پیشنهاد کردم که جلسه را بعنوان تنفس تعطیل کنند که تکلیف دولت زودتر معین شود که مشغول کار شوند

**رئیس** - آقای رفیع

**حاج آقارضا رفیع** - آقای دکتر معظمی بقدری نماینده خوبی هستند که بنده هیچ مایل نیستم که پیشنهاد ایشان رد شود ولی از نظر اینکه جلسه بروزی یکشنبه موکول شود خواهش میکنم خود آقا هم موافقت بفرمایند برای صبح روز شنبه باشد از طرفی بنده معتقدم آقایان در همان ساعتی که مجلس معین میکند جلسه را تشکیل بدهند و بدون جهة مدتی وقت مجلس صرف صحبت کردن در راه روهای مجلس نشود این بود عرض بنده.

۳. موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

**نایب رئیس** - اگر موافقت میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور مذاکره در برنامه دولت

(مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

**نایب رئیس مجلس شورای ملی** - امیر تیمور